



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
شنبه ۲۲ ربيع الثانی ۱۴۴۶ هـ | 26 October 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان سال سوم • شماره چهارصد و پنجاه و یک
www.asrghanoon.ir

حکم معیشتی

تاکید مراجع، آیات عظام و علما بر رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم در دیدار با وزیر کشور

«اسکندر مومنی» وزیر کشور، صبح دیروز (جمعه) پس از آئین معارفه «کبر بهنام‌جو» به‌عنوان استاندار جدید قم و تقدیر از زحمات «سیدمحمد آقامیری» استاندار سابق، با حضور در دفاتر آیات «سبحانی»، «جوادی آملی»، «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «حسینی بوشهری» و «سعیدی» با آن‌ها دیدار و گفت‌وگو کرد. آیت‌الله «جعفر سبحانی» در این دیدار، توجه به بهبود اوضاع معیشت مردم و پیگیری طرح‌های نیمه‌تمام شهر قم را خواستار شد و اظهار داشت: توجه به معیشت مردم و چهره مذهبی شهر و همچنین تعیین تکلیف پروژه‌های نیمه تمام اهمیت دارد. آیت‌الله نوری همدانی نیز در دیدار اسکندر مومنی و هیئت همراه، بیان کرد: امروز اولویت اول رسیدگی به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم است؛ چراکه مردم بسیار از این نظر در مشکل هستند.

در صفحه ۵ بخوانید

باغ خواهی به سبک اروپایی



دسترسی به «تنگه هرمز» و اهمیت سوق الجیشی تسلط بر این مجموعه جزایر سبب شده است تا دشمنان ایران، از قرن نوزدهم تاکنون، به آنها چشم طمع بدوزند.

دو سال دیگر بسیار دیر است



در کشور ما وقتی صحبت از هوش مصنوعی می‌شود ذهن‌ها به سرعت به سمت ربات و کامپیوتر می‌رود. واژه هوش مصنوعی اولین بار در سال ۱۹۵۶ میلادی در کالج دارتموس متولد شد.

شرق شناسی؛ شیوه تسلط بر شرق



او رفته و سنگ پرتاب می‌کند زیرا نماد مقاومت محسوب می‌شود؛ آن گفتمان شرق شناسانه آنقدر قوی بود که حتی پرتاب سنگ در برابر جنایتکاران اسرائیلی را هم کار تروریستی تلقی می‌کرد.

چک آخر؟!



واشنگتن در آستانه انتخابات می‌خواهد کاملاً مطمئن شود که این اقدام از حد خاص و مورد توافق فراتر نرود تا ناخواسته درگیر وضعیتی جنگی در منطقه نشود.

تاثیر جنگ بر ادبیات زندگی، در غزه

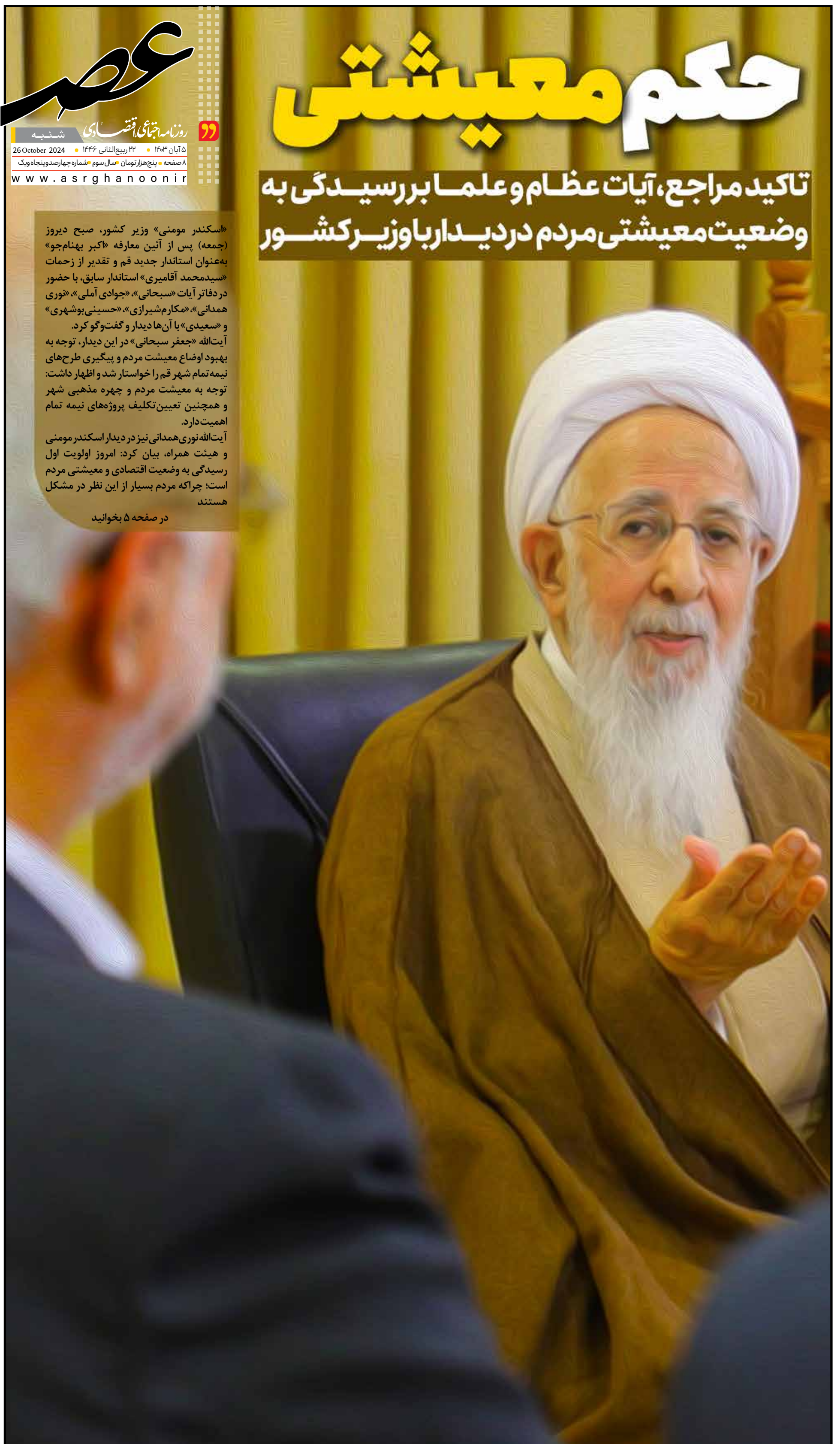


در غزه ما به جنگ خو گرفته ایم. جنگ یک واقعیت مکرر است، کابوسی که هرگز از بین نمی‌رود، یک وضعیت عادی بی‌رحم، جنگ شبیه یک فامیل پیر بدخلق است.

عقل وارونه



جامعه ایران به صورت بی حساب و رها شده، در معرض شبکه‌های اجتماعی غربی قرار گرفته و تمام ذهنیتش، هماس بار وایت‌ها و محتوایی است که در امتداد تمدن غربی هستند.



باج خواهی به سبک اروپایی



اشکان پیرزاده

در اقدامی بی‌سابقه، اتحادیه اروپا در کنار سایر کشورهای

عضو شورای همکاری خلیج فارس در بیانیه پایانی نشست مشترک خود از ایران خواستند به «شغال» جزایر سه‌گانه ایرانی «بوموسی»، «تنب بزرگ» و «تنب کوچک» پایان دهد. در این بیانیه آمده است: «ما از ایران می‌خواهیم به اشغال جزایر سه‌گانه امارات متحده عربی، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که نقض حاکمیت امارات متحده عربی و اصول منشور سازمان ملل متحد است، پایان دهد.»

به نظر می‌رسد، اتحادیه اروپا سیاست تقابل و فشار حداکثری بر ایران را در پیش گرفته است. استفاده از ابزارهایی، چون تحریم و فشار سیاسی و بیان اظهارات باطل و فاقد وجهت قانونی در زمینه حاکمیت ایران و به کار بردن واژه «اشغال» برای جزایر ایرانی، از راهبردهای اتحادیه اروپا برای پیشبرد اهداف‌شان است و در واقع با این اقدامات همان راه آمریکایی‌ها را ادامه می‌دهند؛ غافل از اینکه ایران استوارتر و ریشه‌دارتر از این است که با اتخاذ سیاست‌های خصمانه، عقب بنشیند.

جزایر «بوموسی»، «تنب بزرگ» و «تنب کوچک» به همراه جزایر «فارور»، «کیش»، «قشم»، «هنگام» و «لارک» مجموعه‌ای از جزایر تحت حاکمیت و مالکیت تغییرناپذیر ایران را در خلیج فارس تشکیل می‌دهند. دسترسی به «تنگه هرمز» و اهمیت سوق‌الجیشی تسلط بر این مجموعه جزایر سبب شده است تا دشمنان ایران، از قرن نوزدهم تاکنون، به آنها چشم طمع بدوزند. در اثبات ادعای سیاسی و بی‌پایه امارات همان بس که وزیر خارجه وقت آنها پس از توافقنامه الجزایر در ۱۹۷۵ (۱۵ اسفند ۱۳۵۳) و پیش از انعقاد عهدنامه بغداد درباره مرز و حسن همجواری بین ایران و عراق اعلام کرد: «این توافقات گامی است مهم به سوی استقرار امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس و بدین‌سبب، امارات از طرح



جنگ زده‌های داخلی

ذهن جامعه ایران سخت‌ترین هسته دفاعی و مرکزی‌ترین رینگ پدافندی از جریان مقاومت در جهان است. اقتدار جمهوری اسلامی نه بر موشک و پهباد که بر ایمان عمومی ایرانیان است. از این موشک‌ها و پهبادها همه دارند اما آن چه ندارند اراده عمومی است. ذهن ایرانی دهه‌هاست به واسطه ارائه حرفی متفاوت برای بشریت و محقق نمودن بخش‌های مهمی از این گفتار در عرصه زندگی، متحمل این ضربات شده است. فردای اولین حمله نظامی اسرائیل مشخص خواهد شد که ذهن ایران تا چه میزان جنگ‌زده است.

پی‌گرفتن یک مسیر متفاوت از خواست قدرت‌ها و عدم پذیرش اراده آنها ما را با چالش‌های درونی و بیرونی متعددی مواجه ساخته که موجب شده است بخش‌هایی از جامعه نسبت به ادامه این مسیر دچار تردیدهایی شوند. این تردید لزوماً به حساب و کتاب‌های سودجویانه و هزینه و فایده‌های منفعت‌طلبانه مربوط نیست. منشأ اصلی این تردیدها، احساس بیگانگی با هویت مقاومت می‌باشد. جامعه ایران به دلیل تحمل فشارها در رنج است اما این رنج خود را به امری مقدس به نام مقاومت ارجاع نمی‌دهد و به همین دلیل از این در رنج‌بودن، احساس پیشرفت و امید ندارد.

مهم‌ترین عامل در پدید آمدن این وضعیت به نهاد ادراک‌ساز در موضوع مقاومت بازمی‌گردد؛ یکی از برداشت‌های ذهنی که در راستای اقدامات این نهاد در ذهنیت مردم ایران ته‌نشین شده این است که «مقاومت یک ایده حاکمیتی و سیاسی است و با زندگی روزمره ما بی‌نسبت است». جامعه امروز ایران، وقتی کلمه «مقاومت» را می‌شنود، عباراتی مانند «محور مقاومت»، «جبهه‌ی مقاومت»، «نیروهای مقاومت» و «مقاومت فلسطین و لبنان و ...» در ذهنیتش پدیدار می‌شود. در این برداشت، جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف سیاسی خود، دارد از گروه‌هایی که به عنوان مقاومت شناخته می‌شوند، حمایت می‌کند. این برداشت سیاسی - نظامی و جغرافیایی از مفهوم مقاومت، برداشت غلطی نیست، اما با عمق معنایی مقاومت فاصله دارد.

القای برداشت‌های نارسا و ناقص از مفهوم مقاومت موجب شده جامعه میان زندگی روزمره‌شان با الگوی مقاومت، احساس تعارض داشته باشد. بعضاً این‌گونه برداشت می‌شود که تصمیم حاکمیت مبتنی بر دنبال کردن ایده‌ی مقاومت در منطقه، یا اساساً بی‌نسبت با زندگی آحاد جامعه است و یا این‌که زندگی روزمره مردم ایران را دچار چالش کرده است. بخشی از جامعه‌ی ایران، در حال حاضر ایده مقاومت را یک سخن انفعالی می‌انگارد که طرحی رو به جلو برای راهبري حیات اجتماعی ندارد. جامعه ایرانی جمهوری اسلامی را در مقایسه با مسیر توسعه‌ای که سایر کشورهای اسلامی در حال پیمودن هستند، بازخوانی می‌کند، ولی در این بازخوانی، تصویر روشنی از آینده مسیری که جمهوری اسلامی در سیاست، اقتصاد و فرهنگ در حال پیگیری است را ندارد.

در این شرایط، هنوز هم بسیاری از افراد و جریانات که به دنبال حمایت از جبهه مقاومت می‌باشند، احساسات تعلقی برای پرداختن به عرصه ادراکی ایرانیان ندارند و در تمنای اعزاز به جبهه‌های لبنان هستند. ضمن پاسداشت این انگیزه مبارک اما باید توجه داشت که امروز مبنایی‌ترین حمایت از جریان مقاومت، رسیدگی به تصویر ذهنی ایرانیان از ایده مقاومت و کمک به جنگ‌زدگان ایرانی در حوزه افکار عمومی است.

راه سنوار

وقتی خبر سقوط خرمشهر را به امام خمینی (ره) رساندند، پاسخ امام یک جمله بود: «جنگ است، یک وقت ما می‌بریم، یک وقت آنها». احوالات امام (ره) در مواجهه با خانواده‌های شهدا و بیانات گهربار ایشان خود گواه بر این بود که ایشان بیشتر از هر شخص دیگری احوال خانواده‌های شهدا و سختی‌هایی را که بر مناطق جنگ‌زده حادث شده بود، درک می‌کنند؛ اما عنصری که بیشتر از هر چیز در جنگ باید حفظ شود، روحیه و امیدآفرینی و ناامید نشدن از ظرفیت‌های موجود است. امام (ره) در واقع می‌خواستند متذکر بشوند که کار اینجا تمام نشده و راه روشنی در پیش روی جبهه اسلام است. این همان نگاهی است که محور مقاومت و هم‌پیمانان آن در مواجهه با رژیم صهیونی بیش از هر زمان دیگری باید به آن مسلح بشوند. محور مقاومت در تاریخچه خود شهادت برجستگی، چون شیخ احمد یاسین، فتوح شقایی، رنتیسی و اسماعیل هتیه را ثبت کرده، اما هرگز از پیشروی باز نمانده است. عملیات طوفان‌الاقصی خود گواهی بر این مدعاست. ضربات وارده بر پیکره رژیم صهیونی قابل کتمان نیست تا آنجا که «آلن پینو» که سابقه‌ای طولانی در آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) دارد، به‌عنوان تحلیلگر و افسر شورای ملی اطلاعات در زمینه خاورمیانه چنین تحلیل می‌کند: «نیروهای نیابتی ایران اسرائیل را با «حلقه آتش» تهدید می‌کند که هدف آن عدم گسترش منابع دولت یهود و تضعیف روحیه آن از طریق وادار کردن آن به جنگ در چندین جبهه در آن واحد است. حملات روزانه راکتی و پهپادی حزب‌الله به شمال اسرائیل که از ۸ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، منجر به تخلیه حدود ۷۰ هزار اسرائیلی از خانه‌های خود در شمال شد. حملات موشکی حوثی‌ها علیه اسرائیل اساساً بندر ایلات اسرائیل در دریای سرخ را تعطیل کرده است.

شبه‌نظامیان شیعہ عراق نیز اسرائیل را با موشک‌ها و پهپادها هدف قرار داده‌اند. آنان حدود ۱۷۰ حمله علیه نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه انجام داده‌اند، به امید اینکه بتوانند ایالات متحده را که حمایتش از اسرائیل را کلید بقای اسرائیل می‌دانند، از منطقه بیرون کنند.» این گزارش به خوبی بیان می‌کند که رژیم صهیونیستی وضعیت بحرانی جدیدی را تجربه می‌کند. اعتراضات گسترده دانشجویان آمریکایی که سایر کشورهای غربی را نیز با خود همراه کرد، پدیده جدیدی در انزجار بین‌المللی از رژیم صهیونیستی بود. این موارد خود گواه این است که مقاومت هم در میدان نبرد و هم در عرصه بین‌المللی توانسته حرکت موفقی را رقم بزند.

عملیات‌های گوناگون پس از شهادت سیدحسن نصرالله و شهید سنوار که منجر به تلفات شدید تیپ گولانی وانه‌پدم تانک حامل فرمانده تیپ ۴۰۱ لشکر ۱۶۲ ارتش اسرائیل شد نیز می‌خواهد همین پیام را صادر کند که درخت مقاومت چنان است که اصلها ثابت و فرعها فی‌السماء

مسئله جزایر تنگه هرمز خودداری می‌کند.» در روابط بین‌الملل، معیار، حاکمیت برابر و مساوی کشورها و مصونیت از مداخله در امور یکدیگر است و تنها استثنا در این مورد اعمال حق دفاع مشروع مطابق ماده ۵۱ منشور با رعایت شرایط آن در حقوق بین‌الملل است. در ماده ۳ «طرح اعلامیه حقوق و وظایف کشورها» که در سال ۱۹۴۹ به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل رسیده، آمده است: «هر کشوری موظف است از مداخله در امور داخلی و خارجی کشور دیگر خودداری نماید.» همچنین قطعنامه ۲۱۳۱ با عنوان «قابل قبول نبودن مداخله در امور ملی کشورها و حمایت از استقلال و حاکمیت آنها» که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را به تصویب رسانده است، هرگونه مداخله مستقیم یا غیرمستقیم در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر را محکوم می‌داند.

در ادامه نیز در بند هفتم از ماده ۲ منشور ملل متحد آمده است: «هیچ‌یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد، در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشور است، دخالت نمایند.» از آنجا که اصل مداخله نکردن در امور کشورها یکی از اصول معتبر حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌رود، اقدام اخیر اتحادیه اروپا در رد مالکیت و حاکمیت ایران بر جزایر بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، هیچ وجهت قانونی ندارد و فقط با اهداف سیاسی و نگرانی از عملیاتی شدن تهدید ایران مبنی بر بستن تنگه هرمز بوده است. از آنجا که امارات جلودار این اقدام خصمانه است، پیشنهاد می‌شود جمهوری اسلامی ایران با اعمال حق حاکمیت خود و مستند با قوانین موجود در خصوص اتباع خارجی غیرمجاز، با اتباع غیرایرانی ساکن در آن جزایر برخورد قانونی و ناشی از اعمال حاکمیت صورت دهد و آنان را از ایران اخراج کند. امید که پاسخی محکم بر طراحان سناریو «اشغال جزایر» باشد.

چگونه ایران معادله جنگ منطقه‌ای را به هم زد؟



همدلی و اتحاد میان نیروهای مقاومت افزایش یافت.

نتیجه افزایش روحیه رزمندگان حزب الله پس از ترور فرماندهان ارشد را می‌توان در حملات پی در پی به حیفا و تل‌آویو در هفته‌های اخیر مشاهده کرد. تمام معادلات رژیم صهیونیستی و آمریکا با اقدامات یاد شده فروپاشید و هزینه‌های هنگفتی که در ماه‌های اخیر از جیب صهیونیست‌ها خالی کرده بودند، موج شدیدی از اعتراضات را در سرزمین‌های اشغالی و علیه نتانیاهو و کابینه‌اش به وجود آورده است. عملکرد فناوری‌های نظامی رژیم صهیونیستی نیز زیر سؤال رفت و شهرکنشینان حیفا و سایر مناطق رژیم صهیونیستی، امنیتی که ادعا می‌شد، دیگر باور ندارند. (منبع: اهرود معاصر)

قصد داشتند با از بین بردن متحدان ایران و نیروهای مقاومت و ترور فرماندهان ارشد حزب الله و حماس، تسلط جمهوری اسلامی ایران را در منطقه از بین ببرند. اقدامات جمهوری اسلامی ایران از این نقطه آغاز و ارزیابی شد. در مرحله نخست، پاسخ قاطع و انتقام ترور شهید اسماعیل هتیه، رئیس دفتر سیاسی سابق حماس در تهران به وسیله عملیات موشکی از ایران بود. اقدام حساب شده بعدی در روز حمله موشکی به رژیم صهیونیستی بود، هنگامی که ایران با تحرکات خود این باور را به مقام‌های صهیونیست رسانده بود دست کم میان ۱۲ تا ۲۴ ساعت آینده به رژیم صهیونیستی حمله خواهد کرد، اما دو ساعت بعد حملات موشکی شدید ایران به مناطق مختلف سرزمین‌های اشغالی آغاز شد.

حمله موشکی گسترده جمهوری اسلامی باعث افزایش شدید روحیه نیروهای مقاومت و با ادامه یافتن این حملات به وسیله حزب الله در روزهای پس از حمله موشکی، مرکز ثقل جنگ تا حدود زیادی از لبنان به رژیم صهیونیستی منتقل شد. سلسله اقدامات ایران و حزب الله لبنان باعث شد از ادامه پیش روی رژیم صهیونیستی در منطقه جلوگیری و معادلات نظامی منطقه دستخوش تغییرات گسترده‌ای شود. با حملات ایران به رژیم صهیونیستی و سفر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان به لبنان سناریوی بعدی این رژیم مبنی بر اینکه ایران نیروهای مقاومت را تنها گذاشته است، از بین رفت و برای بار دوم

پس از عملیات «طوفان الاقصی» در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی، آمریکا و رژیم صهیونیستی به دنبال این بودند که کمتر از دو ماه با حملات گوناگون نظامی، سایبری و راهبردی نیروهای مقاومت را به شدت تضعیف و از منطقه پاک سازند. آمریکا و رژیم صهیونیستی همانند سال‌های قبل از هیچ عملیات وحشتناکی در منطقه دریغ نکردند و افراد غیرنظامی را نیز مورد حملات پی در پی خود قرار دادند.

با گسترده‌تر شدن عملیات، طراحی حملات نیز رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت، عملیات سایبری مختلف مانند انفجار پیجرها و بیسیم‌ها، ایجاد ترس و وحشت میان غیر نظامیان و ابهام درباره توانایی‌های نیروهای مقاومت ادامه یافت. پس از این عملیات، آشفتگی در منطقه به وسیله رژیم صهیونیستی و آغاز ترورهای پی در پی سران مهم مقاومت مانند سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله و ابراهیم عقیل، از رهبران مقاومت لبنان بسیاری از مردم و ناظران دچار ابهام در سرنوشت جنگ شدند.

پس از اقدامات وحشیانه و جنایتکارانه رژیم صهیونیستی، بوقچیان صهیونیستی - غربی اینگونه تداعی کردند کار حزب‌الله به آخر خط رسیده است و با حمله نهایی به صورت زمینی نیروهای مقاومت برای همیشه از روی زمین محو خواهند شد؛ اما تمامی معادلات و سناریوهای آمریکا و رژیم صهیونیستی به وسیله ایران برهم خورد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و همدستانش

الان وقت اثرگذاری بر هژمونی غرب در حوزه هوش مصنوعی است؛ دو سال دیگر بسیار دیر است

سید امیر سخاوتیان - محمدرضا قاسمی



تفاوت بسیار دارند. ما ۴ رویکرد در هوش مصنوعی داریم اول آزمون تورینگ؛ در این آزمون چه اتفاقی می‌افتد؟ ۲ اتاق داریم یکی برای بازجو یکی برای بازجو شونده، سیستم و دستگاهی هم داریم بازجو سؤال می‌پرسد و بازجو شونده جواب می‌دهد، بعد از مدتی دستگاه این سؤال و جواب را به صورت الگو در می‌آورد و بعدا به جای بازجو شونده خود دستگاه جواب می‌دهد و بازجو متوجه نمی‌شود. این آزمون مبتنی بر روانشناسی و زبان شناسی است. رویکرد دوم شناختی، رویکرد سوم منطقی (رویکرد ارسطویی)، رویکرد چهارم عامل‌های هوشمند مثل همان ساراها که دسته جمعی پرواز می‌کنند.

۶- مهندسی کامپیوتر: در کشور ما تصور این است که هوش مصنوعی یعنی کامپیوتر، چون نوک فناوری است.
۷- کنترل سایبرنتیک: شناختن نظم سایبری در دنیا خیلی مهم است و بسیاری از تعاریف و تعبیر به کار برده شده در مورد آن صحیح نیست. مقام معظم رهبری فضای مجازی را رایان سپهر معرفی کردند که بسیار معنی دقیقی است.

نظم سایبری غیر از نظم شیمیایی و ریاضی است در قرن ۲۱ نباید نگاه مکانیکی داشته باشیم، ما نمی‌خواهیم موسسه امام خمینی (ره) یک هوش مصنوعی جدید طراحی کند چون غرب قبلا ساخته است. وقتی تولید محتوای بنیادین انجام گیرد همزمان با یک کار ستادی که موسسه می‌تواند از طریق شبکه طرح ولایت با مهندسیین زیادی ارتباط بگیرد و سند هوش مصنوعی که در حوزه اخلاق در اروپا مطرح شد در همین موسسه مورد نقد و بررسی قرار بگیرد و جایگزینی برای آن مطرح شود. ما باید به صورت کنشگر فعال در سطح جامعه جهانی در حوزه کنترل سایبرنتیک ورود کنیم. کار مهم دیگر حرکت به سمت حاکمیت سایبرنتیک است. به صورت خلاصه باید گفت کار موسسه امام خمینی (ره) در عرصه هوش مصنوعی تولید ادبیات بنیادین است، بنابراین دست نظام برای ورود در حوزه سایبرنتیک پر خواهد بود؛ اگر می‌خواهیم بر هژمونی غرب در حوزه هوش مصنوعی اثرگذار باشیم اکنون زمان آن است زیرا ۲ یا ۳ سال دیگر بسیار دیر خواهد بود و فرصت‌ها از دست خواهد رفت.

تصمیم بگیرد و پیشنهاد دهد؟ اگر داشته‌هایمان در حوزه اقتصاد هوشمند شد دیگر اقتصاددان حوزوی که اکنون می‌تواند بر لایه‌های حکمرانی معمول تجویز شده از غرب نقد تاثیرگذار داشته باشد؟ در صورت هوشمند شدن دیگر قادر به چنین کاری نخواهد بود. در حکمرانی هوشمندسازی دامنه نفوذ برای نخبگان علوم انسانی وجود ندارد. ۳ یا ۴ سال پیش رو مقطع حساسی است اگر نتوانیم داشته‌های خود را در حوزه علوم انسانی به الگوریتم تبدیل کنیم الگوریتم‌هایی که سوگیری دارند جایگزین خواهند شد.

حجت الاسلام و المسلمین سید امیر سخاوتیان عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی: هوش مصنوعی چیست؟ در کشور ما وقتی صحبت از هوش مصنوعی می‌شود ذهن‌ها به سرعت به سمت ربات و کامپیوتر می‌رود. واژه هوش مصنوعی اولین بار در سال ۱۹۵۶ میلادی در کالج دارتموس متولد شد.

هفت دانش دست به دست هم می‌دهند و این پدیده متولد می‌شود.

۱- فلسفه: سوالاتی فلسفی مطرح می‌شود که اصلا ماهیت آگاهی چیست؟ مثلا چیزی که به عنوان ربات می‌سازیم توانایی رسیدن به آگاهی دارد یا نه؟

۲- ریاضیات: تمام داده‌ها به صفر و یک تبدیل می‌شود به یک زبان مشترک قابل فهم؛

۳- اقتصاد: جریان سودگرایی در هوش مصنوعی به رسمیت شناخته شده است. سودگرایی ریشه در مباحث اقتصادی دارد اینجا به عنوان دانش بنیادین مطرح است، ما ایرانی‌ها در زمینه الگوریتم سابقه چندین هزار ساله داریم ولی خودمان را فراموش کرده‌ایم مهندسی که الگوریتم از اینترنت دانلود می‌کند و ربات خودش را می‌سازد چیز جدیدی خلق نکرده است صرفا یک کپی اتفاق افتاده است.

۴- علوم اعصاب: الگوبرداری از نورون‌های عصبی در ساخت هوش مصنوعی مثل آگو گیری از پرنده‌ها در ساخت هواپیماست.

۵- روانشناسی: براساس الگوهای رفتاری انسان بهینه سازی صورت می‌گیرد. در فضای سیستم عامل ساده کد نویسی است اما در فضای هوشمند بهینه سازی است که این دو مورد باهم

مسئله مهم دیگر زبان‌های برنامه نویسی است؛ خوراک ماشین، داده است اما برای تعلیم و تربیت یک ماشین داده به تنهایی کفایت نمی‌کند مدل استنتاج به تعبیری منطق فهم حاکم بر داده ما دانلودی است یعنی مهندس الگوریتم را دانلود می‌کند اینکه این الگوریتم چقدر به منطق یقینی و برهانی ما همراه است؟ چقدر نسبی است چقدر سوگیری دارد؟ مثل حذف عکس شهید سلیمانی در اینستاگرام یا مثلا در سال ۱۴۰۳ به گزارش دستگاه‌های امنیتی ۳۰ درصد از آنچه در فضای مجازی کشور رقم خورد فیک نیوزها بودند. یعنی به کمک هوش مصنوعی تکثیری می‌شود و جوان و نوجوان ما متأثر از این فضا است.

مقام معظم رهبری در مطالعات و تحقیقات هوش مصنوعی هدف‌گذاری را بین ده کشور برتر بیان نمودند. ما در عرصه کاربردی‌سازی هوش مصنوعی بین رتبه هفتم تا نودم دنیا هستیم که اصلا قابل قبول نیست، اما رژیم غاصب صهیونیستی در هوش مصنوعی رتبه پنجم دنیا است. اتفاقات اخیر مثل شناسایی و ترور فرماندهان مقاومت ناشی از پیشرفت‌های ژرف در حوزه هوش مصنوعی است.

شهید رئیسی هشت اقدام در حوزه هوش مصنوعی انجام دادند که ماندگار بود از جمله سند ملی هوش مصنوعی، این سند که در دوره ریاست جمهوری ایشان سامان گرفت و یک سند قابل قبول بود که با تغییر دولت بحث بازنگری در سند مطرح شد. گویا با وجود تذکرات حضرت آقا از تجربه تلخ عقب ماندن در فضای مجازی درس نگرفتیم.

در مسئله هوش مصنوعی چه در سطح ملی چه در حوزه دو جریان داریم:

۱. جریان ابزارگرا که دانشگاهیان حامیان هستند از هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای حل چالش‌های کشور مثل مالیات و پول شویی و از بین بردن نارضایتی‌های موجود می‌دانند این جریان بی‌ربط و غلط نیست، اما کاری به ابعاد فلسفی، فقهی، حقوقی ندارند و تلقی‌شان از هوش مصنوعی مثل فناوری نانو و بایو است در حالی که سطوح فراوانی مثل انسان شناسی و هستی شناسی و معرفت شناسی دارد.

۲. جریان سایبرنتیک: معتقدند هوش مصنوعی دانشی غربی است و طرح جایگزین معرفی می‌کنند که نتیجه اش انفعال است.

این دو نگاه تا حدودی درست هستند اما نگاه مقام معظم رهبری چیز دیگری است. ایشان در سال ۹۸ در دیدار ستاد اعضای علوم شناختی به این مسئله اشاره کردند (اشاره به بعد شناختی). ایشان در آبان ۱۴۰۰ در دیدار نخبگان و دانشمندان جوان برای رفع نارضایتی‌ها در محیط زیست، خودرو و آب به اهمیت هوش مصنوعی اشاره می‌کنند (مسئله محور بودن). در سال ۱۴۰۱ در مراسم ارتحال گفتند ابزار زمان امام (ره) ابزار زمان ما نیست (مسئله ابزاری). ایشان در دیدار هیئت دولت ۱۴۰۳/۶/۱۶ بروید به لایه‌های زیر بنایی و لایه‌های عمیق هوش مصنوعی برسید.

جمع بندی: به نظر یکی از لایه‌های زیر بنایی هوش مصنوعی، تبدیل دانش‌ها و توانمندی‌های حوزه علوم انسانی - اسلامی به زبان ماشین است. در برنامه هفتم توسعه مکرر به هوشمندسازی اشاره شده است. سؤال آیا این هوش قرار است به جای انسان

نشست "هوش مصنوعی، نقش و کارکرد آن در علوم اسلامی و تاثیرات آن در آینده دنیا" با حضور حجت الاسلام والمسلمین علی مصباح یزدی، حجت الاسلام و المسلمین سید امیر سخاوتیان عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و دکتر محمدرضا قاسمی دبیر ستاد فناوری‌های هوشمند حوزه‌های علمیه در سالن اندیشه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره برگزار گردید. مشروح این نشست تقدیم می‌گردد.

دکتر محمدرضا قاسمی دبیر ستاد فناوری‌های هوشمند حوزه‌های علمیه: در تعریف هوش مصنوعی قرائت‌های مختلفی وجود دارد و تعریف ثابتی ندارد، اگر بخواهیم هوش مصنوعی را به صورت کاربردی در یک خط تعریف کنیم، یعنی ماشینی که بتواند مثل انسان فکر کند و رفتار کند، مقومات هوش مصنوعی از داده شروع می‌شود. برای مثال اگر صوت این جلسه تبدیل به متن شود می‌شود داده متنی و اگر عکسی هم گرفته شود می‌شود داده تصویری و... کشورها در حوزه حکمرانی داده سندهای بسیار مهمی دارند.

در دنیا سه مدل حکمرانی داده داریم، اولین مدل آن در آمریکا رایج است، یعنی توجه لایه سیاست‌گذاری به حوزه شرکت‌های بزرگ، یعنی اینکه شرکت‌های بزرگ خود تنظیم‌گری حوزه داده را انجام می‌دهند در حقیقت غول‌های فناوری آمریکایی هستند که در این زمینه فعالند.

دومین مدل، مدل حکمرانی اروپایی است که متمرکز بر حوزه شهروندان است یعنی باتوجه به حضور شهروندان در شبکه‌های اجتماعی از مدل مدیریت این شبکه‌ها می‌توانیم در حوزه داده‌ها تنظیم‌گری انجام دهیم.

سومین مدل که بیشتر در چین رواج دارد، حکمرانی از جنس حاکمیت است یعنی دولت تصمیم می‌گیرد که داده‌ها در اختیار چه کسی با مالکیت چه کسی و با مدیریت چه کسی انجام بگیرد و بخش عمده‌ای از کارها توسط شرکت‌های دولتی پشتیبانی می‌شود.

اما مدلی که در ایران وجود دارد ترکیبی از سه مدل قبلی است. در کشورمان در مورد داده‌های ملی قانون خوبی به نام قانون دوام داریم اما در مورد داده‌های شخصی یعنی آنچه از من شما در شبکه‌های اجتماعی در حال تولید و توزیع است هنوز لایحه‌اش در دست دولت مانده است.

زیرساخت‌های پردازشی در امر هوش مصنوعی مسئله بسیار مهمی است که کشور ما منهای بخش دفاعی در این مورد بسیار ضعیف است. امروز دانشگاه‌ها از CPU عبور کرده و به GPU یا به اصطلاح GPU FARM رسیده‌اند، در واقع GPU یک زیر ساخت پردازشی است که با کمک آن تحلیل داده‌ها از ۵ یا ۶ ماه به ۵ یا ۶ ساعت کاهش می‌یابد.

حجم زیادی از اطلاعات را دقیق و سریع پردازش می‌کند متاسفانه مجموعه‌های حوزوی در زیر ساخت‌های پردازشی فقیر هستند، در آینده نزدیک مجموعه‌هایی که زیر ساخت‌های پردازشی قوی دارند مثل بعضی از شرکت‌های بزرگ در تهران نقش تعیین کننده در این امر خواهند داشت و سایر مجموعه‌ها وابسته به آنها خواهند بود.

شرق شناسی؛ شیوه تسلط بر شرق

مهدی فدایی مهربانی

ادوارد سعید شرق شناسی را شیوه تسلط بر شرق می‌داند

دکتر مهدی فدایی مهربانی (عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران) در پیش نشست همایش شرق شناسی در جهان معاصر (با تکیه بر آراء ادوارد سعید) که توسط گروه غرب شناسی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران به صورت حضوری و مجازی برگزار شد؛ با موضوع «روشنفکر بی‌وطن از منظر ادوارد سعید» به ایراد سخنرانی پرداخت.

دکتر مهدی فدایی مهربانی؛ نویسنده و پژوهشگر حوزه فلسفه در این نشست با بیان اینکه ادوارد سعید از این جهت که یک فلسطینی است باید مورد مطالعه بیشتر قرار بگیرد، گفت: به تعبیر یکی از شاعران افغانی بی‌وطن کسی نیست که در غربت زندگی می‌کند بلکه کسی است که در وطن خودش هست و باز بی‌وطن است. کل کتاب شرق شناسی ادوارد سعید و دغدغه او هم همین است لذا اهمیت اندیشه ادوارد سعید این است که وقتی از روشنفکر سخن می‌گویید او را تحت این مفهوم بحث می‌کنند؛ او دغدغه دارد که ما با روشنفکرانی مواجهیم که در وطن، بی‌وطن هستند

این پژوهشگر افزود: اهمیت اندیشه سعید این است که وقتی از روشنفکر سخن می‌گویید را ذیل مفهوم شرق شناسی درک می‌کند و می‌فهمد؛ همچنین در نگاه سعید درباره روشنفکری، مسائل انضمامی را به روشنفکری پیوست می‌دهد لذا برای او مسئله فلسطین جزء این بحث قرار می‌گیرد؛ او رفته و سنگ پرتاب می‌کند زیرا نماد مقاومت محسوب می‌شود؛ آن گفتمان شرق شناسانه آنقدر قوی بود که حتی پرتاب سنگ در برابر جنایتکاران اسرائیلی را هم کار تروریستی تلقی می‌کرد.

فدایی مهربانی با بیان اینکه ادوارد سعید روشنفکری را در نسبتی با دانش تعریف می‌کند، گفت: از دید وی این بحث جدی است که چطور دانش و آکادمی استعماری می‌شود؛ با نگاه او ما در وطن خودمان نشستیم ولی در عمل شاید با گفتمان شرق شناسانه مسائل را تحلیل می‌کنیم یعنی ادوارد سعید قصد دارد بگوید روشنفکر وجدان بیدار جامعه است و باید نسبت به جامعه خود متحد باشد و احساس مسئولیت کند.

فدایی مهربانی گفت: شرق شناسی در نگاه ادوارد سعید شیوه تسلط بر شرق است؛ او می‌گوید استمرار گفتمان شرق شناسی غرب محور به این معناست که ما یک غربی داریم که در جایگاه

فاعل شناسا است و یک شرقی را در برابر غرب داریم که بقیه دنیا است و سوزه غرب در مطالعه است. از نگاه ادوارد سعید شرق شناسی یک گفتمان است و شرق خارج از این گفتمان نمی‌تواند فهم شود.

وی با بیان اینکه به عبارت دیگر شرق هویت مستقلی ندارد، اظهار کرد: ادوارد سعید توضیح داده است که چگونه این گفتمان در شرق، جنبه آکادمیک پیدا کرده است؛ درد ادوارد سعید این است که این سنت آکادمیک غربی به شرق هم راه پیدا کرده و شرق شناسان به مطالعات شرقی با همان روش و زاویه می‌پردازند.

روشنفکری وطن در نگاه ادوارد سعید

این نویسنده و پژوهشگر اظهار کرد: ادوارد سعید می‌گوید روشنفکر است که می‌تواند موضوعات انضمامی جامعه را فهم کند به شرط اینکه در گفتمان شرق شناسی به مسائل نپردازد؛ او روشنفکران را به دو دسته روشنفکران سازگار و ناسازگار تقسیم می‌کند؛ از دید او روشنفکران ناهمساز روشنفکران بی‌وطن هستند یعنی در وطن جغرافیایی خود هم که هستند متعلق به وطن غربی به لحاظ فکری و اندیشه‌ای هستند.



فدایی مهربانی بیان کرد: کل پروژه فکری این افراد به زعم ادوارد سعید، شرق شناسانه است یعنی روشنفکران سرزمین شرق، شرق شناسانه و غربی به مطالعه شرق می‌پردازند. از منظر وی شرق از منظر شرق شناسان غربی، حوزه فاقد عقلانیت است و ما همانطور که مجانبین را مورد مطالعه قرار می‌دهیم شرق را هم باید مطالعه کنیم.



چک آخر؟!

صابر گل عنبری

شواهدی نشان می‌دهد که ماجراجویی نظامی اسرائیل علیه ایران نزدیک است.

غیر از بازدید بواو گالات از پایگاه هوایی هاتزریم و تهدید ایران از آن جا، اما مهم‌ترین قرینه، سفر منطقه‌ای وزیر خارجه آمریکا به ویژه به اسرائیل است که با ده سفر قبلی او به منطقه از زمان شروع جنگ غزه متفاوت است.

به نظر می‌رسد که بلینکن برای چک نهایی چگونگی و زمان حمله اسرائیل به آن جا رفته است. قبلا هم باین گفته بود از شیوه و موعد حمله آگاه است. این بدان معناست که توافقی درباره زمان و اهداف صورت گرفته است.

اما واشنگتن در آستانه انتخابات می‌خواهد کاملا مطمئن شود که این اقدام از حد خاص و مورد توافق فراتر نرود تا ناخواسته درگیر وضعیتی جنگی در منطقه نشود.

شکی نیست که نتانیاهو چشم به راه پیروزی ترامپ در انتخابات است و روشن نیست که حتی به این توافق خود با آمریکا کاملا پایبند باشد. از این رو احتمالا دولت بایدن نگران آن و تأثیرش بر پیروزی کاملا هریس است و بعید نیست این نگرانی بلینکن را در کنار چک نهایی به اسرائیل کشانده باشد.

اما همزمان با سفر وزیر خارجه آمریکا، واحد سانوسر نظامی در اقدامی قابل تامل تصاویر حمله پهپادی به منزل نتانیاهو را منتشر کرد. انگار که نتانیاهو با این کار می‌خواست به مهمان آمریکایی خود بقبولاند که باید در اقدام احتمالی را بالا برد.

در نهایت با توجه به حساسیت بالای شرایط و احتمال خروج اوضاع از کنترل چندان هم محتمل نیست که اسرائیل بخواهد آمریکا را دور بزند.

البته سفر بلینکن به اسرائیل و سپس عربستان و قطر بعدی دیپلماتیک هم دارد و آن هم احتمالا مربوط به وجود ابتکاری برای مابعد اقدام علیه ایران است. معمولا سیاست آمریکا در چنین مواقع حساسی هم یک پیوست دیپلماتیک برای جلوگیری از خروج آن از کنترل دارد.

شرایط انتخاباتی در آمریکا و امید طرف اسرائیلی به بازگشت ترامپ چه بسا تأثیری منفی بر موفقیت هر گونه ابتکاری داشته باشد.

بعید نیست که این پیوست دیپلماتیک آمریکا در آستانه یک تنش نظامی خطرناک در منطقه ابتکاری برای آتش‌بس و توافق پس از اقدام اسرائیل باشد.

دو جنگ غزه و لبنان در بن بست است و هر گونه توافقی بدون حداقل تحقق اهداف اعلامی علی‌رغم همه این ترورها و ویرانگری‌ها تصویری شکست‌گونه برای اسرائیل ایجاد می‌کند، اما اقدامی علیه ایران می‌تواند بر آن سایه افکند و در ظاهر امر اسرائیل را در موقعیت برتر بنشانند.

بعید نیست که آمریکا با پیغام و پسغام و وعده توافق خواستار خویشتن‌داری ایران شده باشد و شاید هم تماس تلفنی چند روز قبل سلطان عمان معطوف به ابتکاری برای چنین توافقی باشد.

دیدار پس فردای بلینکن با وزرای خارجه عرب در لندن نیز با محوریت آینده غزه ممکن است در پیوند با این تحرکات باشد.

در این میان اما اگر حمله احتمالی اسرائیل تا حدودی محدود باشد، بعید نیست که ایران از خیر پاسخ به آن بگذرد؛ چنان که وعده‌ای برای توافق در میان باشد. اما اگر این حمله گسترده و مهم باشد و جنبه حیثیتی پیدا کند، ایران در معذورت واکنش قرار می‌گیرد و پاسخ می‌دهد.

در این صورت حملاتی رفت و برگشتی شکل می‌گیرد و سه سناریو پس از آن قابل تصور است؛ نخست توقف آن در نقطه توافقی فراگیر با شمولیت توقف دو جنگ غزه و لبنان، دوم توقف این حملات بدون هیچ توافقی و سوم نیز شعله ور شدن جنگی منطقه‌ای.

قمار دوسر باخت ژرمن‌ها چرا شولتس به مهره بازی نتانیاهو تبدیل شده است؟

فخرالدین اسدی



فراتر از آن، در حالی که فرانسوی‌ها و برخی دولتهای اروپایی دیگر حداقل در مواضع ظاهری خود، از قطع کمک‌های تسلیحاتی خود به رژیم اشغالگر قدس سخن می‌گویند، دولت برلین اعلام کرده است که به حمایت تسلیحاتی از رژیم کودک کش صهیونیستی به بهانه تقویت قابلیت دفاعی این رژیم نامشروع ادامه خواهد داد.

پشت پرده یک سیاست

حمایت مطلق احزاب دموکرات مسیحی، سوسیال مسیحی و سوسیال دموکرات از رژیم اشغالگر قدس و اقدامات وحشیانه ای رژیم موضوع تازه ای نیست اما این روند در دوران صدارت اعظمی اولاف شولتس به نقطه اوج خود رسیده است. دولت کنونی آلمان می‌گوید برلین به دلیل آنچه علیه یهودیان در جنگ جهانی دوم (در دوران نازی‌ها) رخ داده به تل‌آویو بدهکار است و حمایت مطلق خود از صهیونیستهای جنایتکار را به این شکل توجیه می‌کند!

با این حال، اصل ماجرا به دغدغه‌های اولاف شولتس جهت بقا در قدرت باز می‌گردد. واقعیت امر این است که لابی‌های صهیونیستی در برلین، کلن، دوسلدورف، فرانکفورت و مونیخ نقش بسیار پررنگی در تنظیم مناسبات قدرت داشته و حتی برخی تحلیلگران مسائل داخلی آلمان، صهیونیستها را برگزار کنندگان اصلی انتخابات در این کشور اروپایی قلمداد می‌کنند. از زمان حضور اولاف شولتس در راس معادلات سیاسی و اجرایی سرزمین ژرمنها، شاهد تشکیل دولتی ائتلافی و ناکارآمد در برلین بوده ایم.

دولت متشکل از سه حزب دموکراتهای آزاد، سوسیال دموکرات و حزب سبز روز به روز در انجام اهداف و ماموریت‌های اقتصادی، رفاهی و اجتماعی خود ناکام تر از گذشته جلوه‌گر می‌شود. نظرسنجی‌های صورت گرفته در آلمان نشان می‌دهد که میزان محبوبیت دولت ائتلافی شولتس اکنون به حدود ۲۵ درصد رسیده که به خودی خود، یک فاجعه است. از سوی دیگر، صدراعظم آلمان نسبت به ارتباطات گسترده و پشت پرده احزاب سوسیال مسیحی و دموکرات مسیحی (معروف به ائتلاف احزاب مسیحی) با رژیم اشغالگر قدس آگاه است. شولتس از اینکه لابی مشترک ائتلاف احزاب مسیحی و رژیم اشغالگر قدس در آلمان، از وضعیت کنونی (ناتوانی داخلی دولت برلین) در راستای تسریع سقوط دولت استفاده کنند، شدیداً نگران است. از این رو صدراعظم آلمان در مسیر تأمین رضایت لابی‌های صهیونیستی و تبدیل آنها به سوپاپ اطمینانی برای بقای حداقلی خود در قدرت، از احزاب مسیحی نیز پیشی گرفته است!

برلین و بازی غیرتس‌سازی

در اینجا باید نسبت به مفهوم "غیرتس‌سازی" در نظام بین‌الملل نیز توجه داشت. این غیرتس‌سازی، معطوف به تحولات مهم در منطقه و جهان است. غیرتس‌سازی، به این معناست که بازیگران در قبال بحران‌های به وجود آمده یا مستمر در جهان، تلاش می‌کنند تعریف و کارکرد متفاوتی از خود نشان داده و تلاش در کارآمد جلوه دادن خود نسبت به دیگر بازیگران (در قبال صحنه و بحران مذکور) نمایند. در حال حاضر، برلین متهم به همین غیرتس‌سازی است. درست زمانی که دولت امانوئل مکررون حداقل در ظاهر، سخن از احتمال توقف صادرات تسلیحاتی فرانسه به اراضی اشغالی می‌گوید، اولاف شولتس بلافاصله بر تسریع صدور تسلیحات مخرب به تل‌آویو تأکید می‌کند. پیام غیرمستقیم این موضع‌گیری ژرمن‌ها مشخص است: غیرتس‌سازی با فرانسه و ایجاد حاشیه‌ای امن برای دلالتی سیاسی - تسلیحاتی ژرمن‌ها در منطقه و نظام بین‌الملل.

با این حال به نظر می‌رسد برلین بازی غیرتس‌سازی و ماهیت آن را به درستی درک نکرده است! این بازی، با هدف افزایش قدرت چانه زنی بازیگران در قبال بحرانهای گوناگون صورت می‌گیرد اما ثمره بازی ژرمنها در زمین تل‌آویو، تبدیل شدن برلین به "مهره بازی تل‌آویو" و نه یک "بازیگر فعال" در قبال بحران غزه شده است. فراتر از آن، غیرتس‌سازی افراطی ژرمنها و ناتوانی آنها در مدیریت این پروسه، منجر به "همسانی مطلق با تل‌آویو" شده است. به این ترتیب، برلین باید در آینده ای نزدیک با هزینه‌های ناشی از شکست رژیم منحوس و نامشروع صهیونیستی در جنگ غزه و لبنان نیز مواجه شود.

سوء سابقه ژرمن‌ها

اگرچه ژرمن‌ها معمولاً در مواضع ظاهری خود تلاش می‌کنند خود را جزئی از دگرگیری نظامی در قبال بحرانهای بین‌المللی تلقی نکنند، اما نقش پشت پرده و غیراعلامی آنها در شدیدترین منازعات جهانی غیر قابل انکار است. در سال ۲۰۰۳ میلادی، دولت وقت آلمان به صدارت اعظمی گرهارد شرودر مخالفت خود را با هرگونه مشارکت کشورش در اشغال عراق اعلام کرد اما بعدها مشخص شد که ژرمنها یکی از اصلی‌ترین شرکای اطلاعاتی واشنگتن در جریان این جنگ بوده و حتی در دوران پسا صدام نیز در روند احیای ساختارهای اطلاعاتی عراق به سود اهداف غرب فعالیت داشته‌اند. پایگاه تروریستی "رامشتاین" در خاک آلمان نیز طی یک دهه اخیر به صورت خاص، تبدیل به اتاق وضعیت آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در قبال رصد و اقدامات مخرب منطقه‌ای این دو تبدیل شده است. ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود! در جریان ظهور گروه تروریستی - تکفیری داعش در غرب آسیا، ژرمنها پررنگ‌ترین نقش را در حمایت تسلیحاتی از این گروه متوحش اعمال کردند. داعش در ماه در ژوئن ۲۰۱۴ توانست با استفاده از حجم انبوهی از تسلیحات آلمانی که ساخت شرکت "هکلر اند کخ" بودند شهر موصل را تصرف کند. مقامات آلمانی مدعی بودند که این تسلیحات به صورت اتفاقی و تصادفی به دست داعش رسیده و برلین اساساً مرادوه‌ای تسلیحاتی با داعش ندارد! با این حال تبدیل شدن استفاده از تسلیحات آلمانی به یک "روند معمول" در طول حیات مسموم داعش در عراق و سوریه، نشان داد که ژرمنها این بار نیز به مانند همیشه به افکار عمومی دنیا دروغ گفته‌اند.

بدون شک این بار نیز طبل رسوایی ژرمنها زودتر از آنچه اولاف شولتس و همراهانش در برلین تصور می‌کنند به صدا در خواهد آمد. بدون شک بازی دولت برلین در زمین نتانیاهو و جلاخان غزه، جایگاه آنها را به عنوان شریک جنایت غزه و لبنان رسمیت می‌بخشد. در آینده ای نزدیک، ما با "مجرمانی" در آلمان مواجه هستیم که هم قدرت سیاسی خود را از دست داده‌اند و هم به واسطه مشارکت آشکار در شهادت ده‌ها هزار فلسطینی و لبنانی باید مورد محاکمه و مجازات قرار گیرند. شولتس بازی دوسر باخت و ناشیانه‌ای را طراحی کرده که فرجام آن چیزی جز تباهی نیست.

صحنه پیروزی خون بر شمشیر

رژیم صهیونیستی در دهه‌های اخیر و طی سال‌های متعددی با در اختیار داشتن رسانه‌ها تصویری شرافتمندانه از خود ساخته بود که حاصل آن فریب افکار عمومی جهانیان بود. در این تصویر صهیونیست‌ها ملتی مظلوم بودند که عده‌ای غیرمتمدن عرب، زندگی را بر آنان سخت کرده و مانع صلح و آرامش در منطقه‌اند و صهیونیست‌ها تنها برای تحقق «زندگی»، مجبور به دفاع از خود شده و دست به اسلحه برده‌اند!

طوفان الاقصی اما همه چیز را بر هم زد و همه نقشه‌های پوشالی را نقش بر آب کرد و جلاد و شهید را بر جای خود نشاند. پس از یک سال جهاد و مقاومت، امروز بیش از هر زمان مظلومیت ملت فلسطین آشکار شده است. تا دیروز در جنگ شناختی دشمن اکثریت مردم جهان از فهم این حقیقت که رژیم سفاک صهیونی، رژیم اشغالگر و خون‌آشام است، دچار تردید بودند. بسیاری از حقایق این سرزمین به درستی به ملت‌های جهان مخایره نشده بود؛ اما آنچه طی این ماه‌ها رخ داد، دیگر بیرون از کنترل اتاق‌های جنگ تحریف رسانه‌ای بود.

امروز «کودک‌کش» بودن این رژیم بر همه عیان شده است. بمباران کور و نابودی خانه‌های مردم مظلوم و شهروندانی که سرپناهی ندارند، در مقابل دوربین‌های زنده دنیا به تصویر کشیده شده است و حمله رژیم خون‌آشام به بیمارستان‌ها و کشتار مجروحان و بیماران، آنقدر تلخ و سیاه است که با هیچ شگرد رسانه‌ای نمی‌توان آن را تظهير و سفید کرد.

آخرین شکست رسانه‌ای صهیونیست‌ها را می‌توان در تصویر کشاندن لحظات پایانی عمر «یحیی السنوار» مشاهده کرد. آنجا که قهرمان با سلاحی شکسته برابر دشمنان تا دندان مسلح قرار گرفته و همه هم‌درد دشمن را به سخره گرفته و موسی‌وار با عصا به جنگ مویش آمده و با دست‌های خالی نیز برای لحظه‌ای عقب ننشسته است!

فرماندهان جنگ شناختی دشمن و اعضای اتاق فکر و پشت پرده رسانه‌های صهیونی، هم آنان که به گمان خود لحظات عجز و ناتوانی و شکست قهرمان جهان اسلام را به تصویر کشیده‌اند و با انتشار آن پیروزی خود را رسانه‌ای کرده‌اند، از فهم این حقیقت ناتوانند که «هنگامی که «شهادت» به تصویر کشیده شود، لحظه رسوایی ظالم فرا رسیده و دیگر خون بر شمشیر پیروز شده است.»

بعد از این پایان تراژیک حیات یحیی، به فریاد رسوایی رژیم پوشالی صهیونی بدل خواهد شد و سقوط و نابودی آن را فریاد خواهد زد. سرانجامی بدون بازگشت که متجاوزان راهی برای گریز از آن نخواهند داشت.



اطلاعات وزارت جنگ " (NGA) است که در اوایل این هفته در داخل جامعه اطلاعاتی ایالات متحده توزیع شده است.

گزارش ادعایی جزئیات اقداماتی است که در روزهای اخیر در چندین پایگاه نیروی هوایی اسرائیل انجام شده است، از جمله انتقال مهمات پیشرفته که بر اساس این گزارش برای حمله به ایران در نظر گرفته شده بود.

همچنین گزارش بیان می‌کند که بر اساس اطلاعات سیگنال‌های آمریکا، نیروی هوایی اسرائیل این هفته تمرین بزرگی را با حضور هواپیماهای اطلاعاتی و جنگنده‌ها برای حمله احتمالی علیه ایران انجام داده است.

این گزارش همچنین به جزئیات آماده سازی واحدهای پهپادی اسرائیلی برای حمله به ایران پرداخته است. این گزارش اگر دقیق باشد، نشانگر نظرات بسیار دقیق دستگاه اطلاعات ایالات متحده بر تدارک اسرائیل به منظور حمله به ایران، از جمله استفاده از ماهواره‌ها برای رصد عملیات انجام شده در پایگاه‌های نیروی هوایی اسرائیل است.

باراک راوید، روزنامه‌نگار اسرائیلی در آکسیوس نوشت: پس از انتشار دو سند ادعایی اطلاعاتی ایالات متحده در مورد تدارک اسرائیل برای حمله به ایران توسط یک حساب تلگرامی وابسته به ایران، مقامات آمریکایی به شدت نگران یک نقض احتمالی بزرگ امنیتی هستند.

این افشای ادعایی، زمانی بازگو می‌شود که اسرائیل هفته‌هاست در حال آماده‌سازی برای انتقام‌جویی علیه ایران است؛ کشوری که در اول اکتبر با رگبار موشک‌های بالستیک به اسرائیل حمله کرد. این افشاجاری می‌تواند تلاشی برای ایجاد اختلال در عملیات اسرائیل باشد.

پنتاگون و دفتر مدیر اطلاعات ملی از اظهار نظر در مورد اسناد فاش شده خودداری کردند، اما صحت این اسناد را به چالش نکشیدند. یک کانال تلگرامی با نام Middle East Spectator روز جمعه مدعی شد اسنادی را از منبعی در جامعه اطلاعاتی آمریکا درباره تدارک اسرائیل برای حمله به ایران دریافت کرده است.

این کانال تلگرام به طور معمول محتوای طرفدار ایران را منتشر می‌کند و در پروفایل اکانت X وابسته به کانال ادعا شده که در ایران مستقر است. این اسناد شامل گزارش اطلاعات بصری توسط "آژانس ملی

ماجرای درز اسناد نقشه اسرائیل برای حمله به ایران چیست؟

این افشای احتمالی می‌تواند نشانه نقض امنیتی بسیار جدی در جامعه اطلاعاتی ایالات متحده باشد که منجر به رسیدن اطلاعات محرمانه و فوق محرمانه به کانال تلگرامی وابسته به ایران شده است. یک مقام ارشد اسرائیلی تأکید کرده که سیستم نظامی اسرائیل از این درز ادعایی اطلاعات آگاه است و آن را بسیار جدی می‌گیرد.

حکم معیشتی



«اسکندر مومنی» وزیر کشور، صبح دیروز (جمعه) پس از آئین معارفه «اکبر بهنام جو» به عنوان استاندار جدید قم و تقدیر از زحمات «سیدمحمد آقامیری» استاندار سابق، با حضور در دفاتر آیات «سبحانی»، «جوادی آملی»، «نوری همدانی»، «مکارم شیرازی»، «حسینی بوشهری» و «سعیدی» با آن‌ها دیدار و گفت‌وگو کرد.

آیت‌الله «جعفر سبحانی» در این دیدار، توجه به بهبود اوضاع معیشت مردم و پیگیری طرح‌های نیمه‌تمام شهر قم را خواستار شد و اظهار داشت: توجه به معیشت مردم و چهره مذهبی شهر و همچنین تعیین تکلیف پروژه‌های نیمه تمام اهمیت دارد.

آیت‌الله سبحانی با تشکر از زحمات استاندار قبلی، گفت: قم بعد از نجف، قطب مذهبی شیعیان است و باید چهره مذهبی شهر حفظ شود.

این مرجع تقلید تصریح کرد: توجه به معیشت مردم باید از اولویت‌های مدیران باشد.

آیت‌الله جوادی آملی نیز در دیدار با وزیر کشور اظهار داشت: استاندار یک استان باید در ارتباط نزدیک با مردم آن استان باشد و خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها را درک کند، نه این که تنها به اجرای دستورات بالادستی بپردازد.

این مرجع تقلید گفت: مسئولین استانی باید با مشورت نخبگان، حوزویان و دانشگاهیان، برای رفع مشکلات استان تدبیر کنند و در جهت تأمین منابع پایدار برای استان، اقدام لازم را به عمل آورند.

وی افزود: کشور ما دارای منابع طبیعی و ثروت فراوان است، باید جلوی فساد و حقوق‌های نجومی گرفته شود و با مدیریت صحیح از این منابع به درستی بهره برداری شود.

آیت‌الله نوری‌همدانی نیز در دیدار اسکندر مومنی و هیئت همراه، بیان کرد: امروز اولویت اول رسیدگی به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم است؛ چراکه مردم بسیار از این نظر در مشکل هستند.

وی با تأکید بر بهره‌مندی از دستورات حضرت امیرمومنان علی (ع) در نهج‌البلاغه مبنی بر اهمیت دادن به مردم، گفت: یکی از بهترین عبادات خدمت به مردم است؛ لذا باید به تکریم مردم توجه داشت و مردم ادارات را خانه خود بدانند.

این مرجع تقلید با تشکر از زحمات و خدمات استاندار پیشین قم برای موفقیت استاندار جدید دعا کرد و خواستار توجه بیشتری به قم بواسطه جایگاه این شهر و حضور و رفت و آمد مردم از کل کشور و بعضی از کشورهای به این استان شد.

آیت‌الله مکارم‌شیرازی هم در دیدار با وزیر کشور، عنوان کرد: با سر کار آمدن استاندار و مسئول جدید مردم باید تغییرات را مشاهده کنند.

وی از زحمات استاندار پیشین قم قدرانی و تصریح کرد: انتقاد سازنده خوب و نیاز است، گرانی، مسکن و موضوع درمان از جمله مسائل مردم است که باید رسیدگی شود.

این مرجع تقلید همچنین خواستار تعیین تکلیف فرودگاه قم برای تسهیل رفت و آمد زائران داخلی و خارجی به این شهر زیارتی و نیز توجه به مسئله حجاب شد.

همچنین آیت‌الله «سیدهاشم حسینی بوشهری» در دیدار با وزیر کشور، ضمن مهم شمردن انتخاب استانداران، تأکید کرد: انتخاب استاندار برای استان‌های مختلف، باتوجه به شرایط و مسائل مهم هر استان، امر مهمی محسوب می‌شود، نکته‌ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار دهد این است که نسبت به ابقای استانداران سابق، یا جابه‌جایی‌ها از استانی به استان دیگر و یا تعیین استاندار جدید برای برخی استان‌ها، هرچه سریع‌تر تصمیم‌گیری کرده تا وضعیت استان‌ها مشخص و معین شود.

امام‌جمعه قم ادامه داد: تعیین تکلیف‌نشدن برخی از استان‌ها، باعث بی‌انگیزگی برخی از مسئولین استانی شده و فضای استان را نیز بی‌انگیزه کرده است که این باعث کندشدن پیشرفت و توسعه در استان شده و این تعلل به کشور لطمه می‌زند، اختیاراتی که امکان واگذاری آن‌ها وجود دارد به استانداران داده شود تا برای هر مسئله جزئی نیاز به پیگیری و تماس با وزارت کشور نداشته باشند که این‌ها به سرعت پیشرفت در استان نیز کمک می‌کند.

نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری عنوان کرد: مسئله مهم دیگر، عزل و نصب‌ها نیز بدون هماهنگی با استانداران انجام نشود که این هماهنگی کامل میان مسئولین و استانداران، باعث ایجاد یک انسجام و الفت میان مسئولین و استانداران می‌شود که منجر به ترقی و توسعه استان خواهد شد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به پروژه‌های نیمه‌تمام قم، عنوان کرد: استاندار جدید حتماً ادامه کارهای مثبت شروع شده از قبل، و شروع کارهای مثبت انجام نشده

را مدنظر داشته باشد، تعیین تکلیف پروژه‌های نیمه‌تمام استان مانند، منوریل، فرودگاه، مترو و... نیازمند یک کارویژه است تا این مشکلات در استان نیز هر چه سریع‌تر حل شود.

آیت‌الله «سیدمحمد سعیدی» نیز در دیدار با اسکندر مومنی وزیر کشور که در سالن محراب حرم مطهر بانوی کرامت برگزار شد، با بیان اینکه خداوند می‌فرماید در این دنیا غذای حلال بخورید و عمل صالح انجام دهید، اظهار داشت: انسان باید علاوه بر غذای مادی، به خوراک فکری و معنوی خود هم توجه داشته باشد و از منابع درست تغذیه فکری کند.

وی با بیان اینکه مسئولان برای اینکه بتوانند خوب فکر کنند باید از منابع خبری و فکری درستی برخوردار باشند، گفت: مسئولان باید ضمن این که حرف همه جریان‌ها و فکرها را می‌شنوند وقتی به مرحله عمل رسید بر اساس بهترین اندیشه‌ها عمل کنند.

تولیت حرم مطهر بانوی کرامت تصریح کرد: گاهی یک حرف را از زبان کسی می‌شنوید که ممکن است در حزب و جریان شما نباشد؛ ولی خداوند او را واسطه قرار داده تا این حرف و اندیشه را به شما برساند؛ بنابراین نباید از شنیدن حرف دیگران دریغ کرد.



سیستم پرداخت مشترک

امیرارباب

آنچه که در فرآیند اجلاس شانزدهم سالانه بریکس (از جمله در اجلاس روسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو) رسماً اعلام شده است، استقرار یک زیرساخت برای «سیستم پرداخت مشترک» با ارزهای ملی کشورهای عضو برای تجارت‌های دو و چندجانبه است.

تصویری که از «اسکناس بریکس» منتشر شده جنبه نمادین دارد. اولویت فعلی بریکس ادغام بازارهای مالی کشورهای در یک زیرساخت مشترک به منزله یک سیستم مالی عادلانه تر جهانی است. پوتین در سخنرانی افتتاحیه خود، تأکید کرد که این بلوک به دنبال حذف دلار نیست:

«دلار در حالی مهم‌ترین ابراز مالی «در تجارت جهانی باقی مانده است که آنها (غرب) از آن به عنوان یک سلاح سیاسی استفاده می‌کنند». پوتین تأکید کرده است که «اگر آنها (غرب) دسترسی ما را به دلار مسدود کنند، ما از جایگزین‌هایی برخورداریم». همزمان «دیلما رسوف» رئیس بانک توسعه جدید (NDB) بریکس و رئیس‌جمهور سابق برزیل اظهار داشته است که «ما به استفاده از ارزهای ملی در تبادلات مالی میان کشورهای عضو و شرکایشان درود می‌فرستیم». روندی که اتفاقاً از

میان کشورهای عضو بریکس، تا کنون بیشترین اهتمام به آن از جانب هندوستان بوده است که از قضا نزدیک‌ترین کشور از اعضای اصلی بریکس به بلوک اتلانتیک است.

چنین‌به نظر می‌رسد که مقابله مستقیم با هژمونی دلار، در حال حاضر نه در دستور کار بریکس است و نه این مجموعه، فعلاً قابلیت چنین اقدامی را دارد. آنچه واقع‌بینانه و در دسترس است، تأسیس سامانه‌های زیرساختی در تجارت، تأمین اعتبار و بیمه، با تمرکز بر امکان مبادله با

ارزهای دوجانبه است که البته گام قابل اعتنایی در کاهش هژمونی دلار است. اما انتقال پیام‌هایی به افکار عمومی نظیر «امریکا تمام شد» (اشاره به موضع‌گیری علی‌اکبر رائفی پور) و... با تکیه بر انتشار یک «اسکناس نمادین»، ادامه روند «رژیمی‌های شتاب‌زده» است که خطر اشاعه آن در نهاد‌های سیاستگذاری دولتی در کشور، قبلاً نیز

تجربه شده است. بلوک بریکس حتماً یک بلوک قدرتمند در آینده سیاست جهانی است، اما اگر تصور شود راهی که باید طی شود را پیشاپیش رفته‌ایم، نتیجه‌ای جز انزوا در روند سیاست‌سازی‌ها و ابتکارات بریکس حاصل نخواهیم کرد.

فراموش نکنیم که بریکس به لحاظ ساختار درونی نیز یک بلوک قدرت است که کشورهای عضو آن، اهداف و ملاحظات یکسانی را دنبال نمی‌کنند و ایران نیز به منظور استفاده از ظرفیت این مجموعه برای تحقق اهداف سیاسی و توسعه‌ای خود باید راه خاص خود را در درون آن تعریف و طی کند و برای اهداف خود در میان کشورهای عضو اجماع‌سازی نماید.

بلوک بریکس حتماً یک بلوک قدرتمند در آینده سیاست جهانی است، اما اگر تصور شود راهی که باید طی شود را پیشاپیش رفته‌ایم، نتیجه‌ای جز انزوا در روند سیاست‌سازی‌ها و ابتکارات بریکس حاصل نخواهیم کرد.

فراموش نکنیم که بریکس به لحاظ ساختار درونی نیز یک بلوک قدرت است که کشورهای عضو آن، اهداف و ملاحظات یکسانی را دنبال نمی‌کنند و ایران نیز به منظور استفاده از ظرفیت این مجموعه برای تحقق اهداف سیاسی و توسعه‌ای خود باید راه خاص خود را در درون آن تعریف و طی کند و برای اهداف خود در میان کشورهای عضو اجماع‌سازی نماید.

بلوک بریکس حتماً یک بلوک قدرتمند در آینده سیاست جهانی است، اما اگر تصور شود راهی که باید طی شود را پیشاپیش رفته‌ایم، نتیجه‌ای جز انزوا در روند سیاست‌سازی‌ها و ابتکارات بریکس حاصل نخواهیم کرد.

فراموش نکنیم که بریکس به لحاظ ساختار درونی نیز یک بلوک قدرت است که کشورهای عضو آن، اهداف و ملاحظات یکسانی را دنبال نمی‌کنند و ایران نیز به منظور استفاده از ظرفیت این مجموعه برای تحقق اهداف سیاسی و توسعه‌ای خود باید راه خاص خود را در درون آن تعریف و طی کند و برای اهداف خود در میان کشورهای عضو اجماع‌سازی نماید.

تأمین منافع اقتصادی کشور در تعمیق روابط با اعضای بریکس است

روح‌الله مدیر



بیشماری قابل توجه است و به توسعه مناسبات طرفین بسیار کمک می‌کند و افزایش صادرات را به دنبال خواهد داشت. طرح صندوق ذخیره بریکس یکی دیگر از پیشنهادات روسیه به اعضای این سازمان است در راستای جایگزینی صندوق بین‌المللی پول و مکانیزم حمایت مالی از اعضا که با استقبال کشورهای عضو بریکس مواجه شده است. پیشنهاد دایر کردن بورس غلات در بریکس نیز که از جمله طرح‌های بسیار خوبی است که با اطمینان دهی نسبت به قیمت‌گذاری و تضمین همه غلات مورد نیاز اعضا این روند را تکامل بخشیده است.

ایجاد یک استاندارد مشترک بین اعضا در حوزه‌های مختلف به عنوان ششمین پیشنهاد روسیه از جهات مختلفی حائز اهمیت است چرا که امروز اعضای بریکس تحت تهدیدات تروریستی اقتصادی غرب هستند یا این امکان وجود دارد که در چنین دایره‌ای قرار بگیرند، لذا همکاری اعضای بریکس در شکست ساختار سیاست تروریسم اقتصادی غرب بسیار حائز اهمیت است. حضور آقای پزشکیان به عنوان رئیس‌جمهور ایران و ملاقات وی که با رئیس‌جمهور روسیه برای دومین بار فرصت فوق‌العاده‌ای برای ایران از جهات مختلف است لذا می‌توانیم امیدوار باشیم دولت جمهوری اسلامی ایران، برنامه جدی و عملیاتی برای استفاده از فرصت‌های بریکس طراحی کند چرا که امروز نیازمند عملیاتی شدن این برنامه‌ها در سطوح مختلف اقتصاد کشور هستیم.

امروز بریکس خط و مسیر و راهکارهای مشخصی برای توسعه خود و تأمین منافع اعضا دارد لذا ایران نیز باید از ظرفیت‌ها و فرصت‌های فوق‌العاده بریکس استفاده کند آن هم در شرایطی که تروئیکای اروپایی و آمریکا به صورت گستاخانه و مداخله جویانه انواع تحریم‌های متعدد را علیه ایران مجدداً وضع می‌کنند و سیاست‌های خصمانه‌ای را علیه ایران در ابعاد مختلف به

عرصه اجرا می‌گذارند شبیه به حمایت اروپا از امارات در مساله اشغالگر خواندن ایران در جزایر سه گانه. اروپا همواره نشان داده دوشادوش آمریکا سیاست‌های خصمانه و تحریم‌های مختلفی را علیه ایران اعمال می‌کند به این دلیل لازم است ایران روابط خود را با کشورهای دوست مثل فدراسیون روسیه به صورت عملیاتی، واقع‌گرایانه، برنامه‌محور تقویت کند و به هیچ وجه در تله و فریب اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها قرار نگیرد.

رویکرد اروپا و دنیای غرب در قبال ایران به شدت منفی و برخلاف منافع ملی ایران است لذا لازم است سران جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های بی‌نظیری مثل بریکس استفاده کنند و این ظرفیت‌ها را با برنامه عملیاتی محقق نمایند. دولت و حاکمیت نباید اجازه دهد غربگرایان با بهانه‌های مختلف، وعده‌های سراب گونه و تبلیغات دروغین مانع تحقق تعمیق روابط ایران و روسیه شوند؛ ضمن اینکه امیدواریم مانع تبلیغات ضد روابط دوستانه روسیه و ایران شوند چرا که تعمیق روابط و همکاری‌ها نیازمند آماده‌سازی فضای عمومی جامعه است. اگر جریان‌های غربگرا و رسانه‌های غربگرا به تبلیغات ضد روسی و شایع‌پراکنی‌ها ادامه دهند و جامعه نسبت به دسیسه‌های آنها آگاه نباشد از فرصت‌های بی‌نظیر تعمیق همکاری‌های ایران و روسیه ما صرفاً در حد شعار برخوردار می‌شویم و این خطر بزرگی پیش روی ماست.

تاثیر جنگ بر ادبیات زندگی، در غزه به روایت رفعت العریعری

عطیه توسلی

در غزه ما به جنگ خو گرفته‌ایم. جنگ یک واقعیت مکرر است، کابوسی که هرگز از بین نمی‌رود، یک وضعیت عادی بی‌رحم. جنگ شبیه یک فامیل پیر بدخلق است، همانی که نمی‌توانیم تحملش کنیم اما خودمان را هم نمی‌توانیم از دستش خلاص کنیم. متأسفانه ما با تغییرهای ناگهانی جنگ هماهنگ شده‌ایم. این مهمان سنگین بی‌دعوت، ناخواسته و برخلاف میل ما به ما سر می‌زند، روی سینه‌مان می‌نشیند و نفس می‌کشد و صدها و هزاران زندگی را طلب می‌کند.

دکتر رفعت العریعری متولد ۱۹۷۹ در غزه است. در غزه‌ای که هنوز تحت اشغال اسرائیل بود و بنابراین او از ابتدای زندگی سختی زیستن تحت اشغال و استعمار را چشید. شاید همین باعث شد رفعت العریعری بعد از گذراندن کارشناسی ارشد در کالج لندن و دکترای ادبیات انگلیسی در دانشگاه پوترای مالزی دوباره به غزه برگردد تا آموخته‌هایش را برای سرزمینش به کار گیرد. رفعت العریعری از بنیانگذاران جنبش «ما عدد نیستیم» است. جنبش ما اعداد نیستیم (WANN) پروژه‌ای است که در سال ۲۰۱۵ برای ارائه کارگاه‌های نویسندگی به زبان انگلیسی برای جوانان غزه تاسیس شد. این پروژه که ابتدا با آموزش به چیزی حدود ۴۰ نفر کار خود را آغاز کرد تا سال ۲۰۲۳ به بیش از ۳۰۰ نفر آموزش نویسندگی داد. تمرکز این پروژه بر باز کردن افق‌های تازه برای نسلی بود که در اخبار تنها با آمار و ارقام از آن‌ها یاد می‌شود و از زندگی آمیخته با مقاومت و جنگ آن‌ها روایت دقیقی در میان نیست. دکتر رفعت العریعری با آموزش نوشتن به جوانان غزه در برابر این موضوع ایستاد. شاید به همین خاطر است که جنس روایت‌های او که در روزهای آخر عمر خود و روزهای ابتدایی نسل کشی اسرائیل در غزه از ۱۷ اکتبر نیز از همین جنس ایستادگی با ادبیات است. العریعری در این یادداشت‌ها سعی دارد کلیشه‌های مرسوم درباره‌ی مردم غزه در ذهن مخاطب را به هم بریزد و نشان دهد چطور در یک زندگی که تاروپودش با جنگ آمیخته شده، همه چیز تغییر می‌کند؛ حتی ادبیات! پیش از این تک‌نگاری رفعت العریعری را منتشر کرده بودیم و قصد داریم در ادامه چند روایت ناب العریعری از غزه را با شما در میان بگذاریم. روایت اول را در ادامه با ترجمه خانم عطیه توسلی بخوانید:

۱۹ اکتبر ۲۰۲۳: در غزه ما به جنگ خو گرفته‌ایم

تجربه‌های وحشتناک مرگ و ویرانی پیوسته بر فرهنگ، زبان و حافظه‌ی جمعی فلسطین اثر گذاشته است. امل کوچک هفت‌ساله‌ام می‌پرسد: «دوباره جنگ شده؟» خطرات حملات قبلی اسرائیل هنوز در ذهنش تازه است. شکل قرار گرفتن کلمات سؤال نشان می‌دهد چطور مجبورش کرده‌اند به بلوغ برسد. سال

گذشته از مادرش پرسید که این «جنگ دیگری» است؟ بله، دوباره در غزه جنگ شده است. در غزه ما به جنگ خو گرفته‌ایم. جنگ یک واقعیت مکرر است، کابوسی که هرگز از بین نمی‌رود، یک وضعیت عادی بی‌رحم. جنگ شبیه یک فامیل پیر بدخلق است، همانی که نمی‌توانیم تحملش کنیم اما خودمان را هم نمی‌توانیم از دستش خلاص کنیم. متأسفانه ما با تغییرهای ناگهانی جنگ هماهنگ شده‌ایم. این مهمان سنگین بی‌دعوت، ناخواسته و برخلاف میل ما به ما سر می‌زند، روی سینه‌مان می‌نشیند و نفس می‌کشد و صدها و هزاران زندگی را طلب می‌کند.

مادربزرگم به من می‌گفت یک ژاکت ضخیم بپوشم چون ممکن است باران ببارد. و باران می‌بارد! او مانند تمام فلسطینی‌های سن و سال دار، احساس و فهم خاصی از زمین، دریا، درخت و باران داشت. سن و سال دارها می‌دانستند کی زیتون‌ها را برای ترشی بچینند و کی برای روغن. من همیشه به این مسئله غبطه می‌خوردم. متأسفم مادربزرگ. متأسفانه ما به جای چنین چیزی، با تغییرهای ناگهانی جنگ هماهنگ شده‌ایم. این مهمان سنگین بی‌دعوت، ناخواسته و برخلاف میل ما به ما سر می‌زند، روی سینه‌مان می‌نشیند و نفس می‌کشد و صدها و هزاران زندگی را طلب می‌کند.

یک فلسطینی که سال ۲۰۰۸ در غزه به دنیا آمده باشد، هشت جنگ از سر گذرانده است: ۲۰۰۸-۲۰۰۹، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ الف و ب. و طبق عادت که در غزه جاری است مردم ممکن است به اندازه‌ی هفت جنگ یا چهار جنگ عمر کنند. امل کوچک من در ۲۰۱۶ به دنیا آمد و الان لیسانس جنگ دارد، یعنی از چهار عملیات نظامی مخرب جان سالم به در برده است. در غزه ما معمولاً با واژه‌های دانشگاهی درباره‌ی جنگ‌ها

صحبت می‌کنیم: لیسانس جنگ، فوق لیسانس عملیات‌های نظامی و برخی ممکن است به شوخی خود را دانشجوی دکترای جنگ معرفی کنند.

گفتمان ما به‌طور قابل توجهی تغییر کرده.

شب وقتی اسرائیل بمباران را شدت می‌بخشد، «مهمانی» است: «مهمانی آغاز شده است.» «امشب مهمانی وحشتناکی خواهد بود.» و بعد یک کیف مشخص وجود دارد، کیفی که باعجله آماده شده تا پول نقد، شناسنامه، گواهی تولد و مدرک دیپلم را در خود جای دهد. وقتی خطر تخلیه وجود دارد هدف برداشتن بچه‌ها و یک وسیله است.

خاطره‌ی جمعی و فرهنگ فلسطینی‌ها به‌شکل قابل توجهی از این تجربه‌های وحشتناک جنگ و مرگ تأثیر پذیرفته است. اکثر اهالی غزه اعضای خانواده یا کسانی را که دوست می‌داشتند از دست داده‌اند یا خانه‌هایشان آسیب دیده یا به کلی نابود شده. تخمین می‌زند که این جنگ‌ها و تنش‌های میان آن‌ها زندگی بیش از نه هزار (وقتی هفته‌ی گذشته پیش‌نویس این متن را می‌نوشتیم عدد هفت هزار و پانصد بود!) فلسطینی را گرفته و شصت هزار واحد مسکونی را خراب کرده است.

مرگ و جنگ. جنگ و مرگ. این دو ناخوانده هستند، اما نمی‌توانیم آن‌ها را وادار به رفتن کنیم. نمی‌توانیم آن‌ها را وادار کنیم که ما را به حال خود بگذارند.

جنگ به رابطه‌ی میان مرگ و فلسطینی‌ها شکل می‌دهد که تمیم البرغوثی، شاعر فلسطینی آن را این‌طور خلاصه کرده:



عاقلاً نبود، ای مرگ، که این‌طور نزدیک شوی. عاقلاً نبود که تمام این سال‌ها ما را محاصره کنی. عاقلاً نبود که این قدر نزدیک ما باشی، آن قدر نزدیک که چهره‌ات را به خاطر سپرده‌ایم، عادات غذایی‌ات را، زمان استراحتت را، نوسان‌های احساسات را، امیال قلبی‌ات را، و حتی ضعف‌هایت را. ای مرگ، آگاه باش! آرام‌گیر به این خیال که ما را شمرده‌ای. مایبی‌شماریم. و هنوز اینجاییم هفتاد سال پس از تهاجم مشعل‌های ما هنوز روشن است دو قرن

پس از اینکه عیسی در سرزمین ما به کلاس سوم رفت ما تو را خیلی خوب شناخته‌ایم، ای مرگ. ای مرگ، قصد ما روشن است: ما تو را شکست خواهیم داد، حتی اگر همه‌ی ما را بکشند. مرگ، از ما بترس، چراکه ما اینجاییم، بدون ترس.

حضور حنظل در تظاهرات علیه اسرائیل

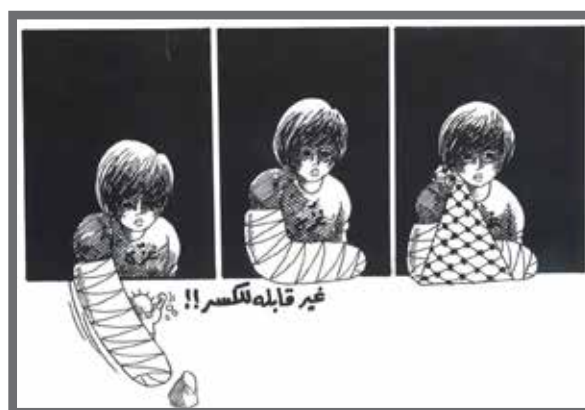


ناجی العلی به یاد کودکان وطنش که با بمب و گلوله یکی یکی پرپر می‌شدند و مظلوم و بی‌پناه به آغوش خاک می‌روند، قلم به‌دست گرفته و حنظل را خلق کرده بود. حنظل یک کودک ۱۰ ساله است که در اردوگاه آوارگان فلسطینی زندگی می‌کند. درست مثل ناجی العلی که در ۱۰ سالگی وطن عزیزش را ترک کرد و آواره شد. این کاریکاتور است گفته بود: «اگر انگشتان دست‌مان را قطع کنند، با انگشتان پاهایم طراحی خواهیم کرد. در این زمان احساس کردم کاریکاتور بهترین وسیله برای بیان نظراتم است. کاریکاتور تنها یک اعلامیه نیست، بلکه وظیفه دارد تشویق کند و بشارت بدهد. بشارت بدهد از آینده و آرزوها را بیان کند.»

حنظل زنده می‌ماند

ناجی العلی خالق شخصیت حنظل می‌گوید: «من در کاراکتر حنظل، بچگی‌های خودم را نشان داده‌ام. او همان سنی را دارد که من وقتی فلسطین را ترک کردم داشتم و همان حس را که من داشتم، او هم دارد. تنها خط قرمز در طراحی‌های من، تسلیم در برابر اسرائیل بوده و «حنظل» نماد تلخی‌های آغاز این راه است.»

این کاریکاتور است به خاطر طرح‌هایش بارها مورد تهدید قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۹۸۷ وقتی به دفتر روزنامه‌ی «القبس» در لندن می‌رفت، ترور شد و به اغما رفت. خالق «حنظل» ۳۸ روز بعد، از دنیا رفت و حنظل را به‌عنوان نماد کودکی که هیچ بمب و گلوله‌ای نمی‌تواند او را از بین ببرد، باقی گذاشت.

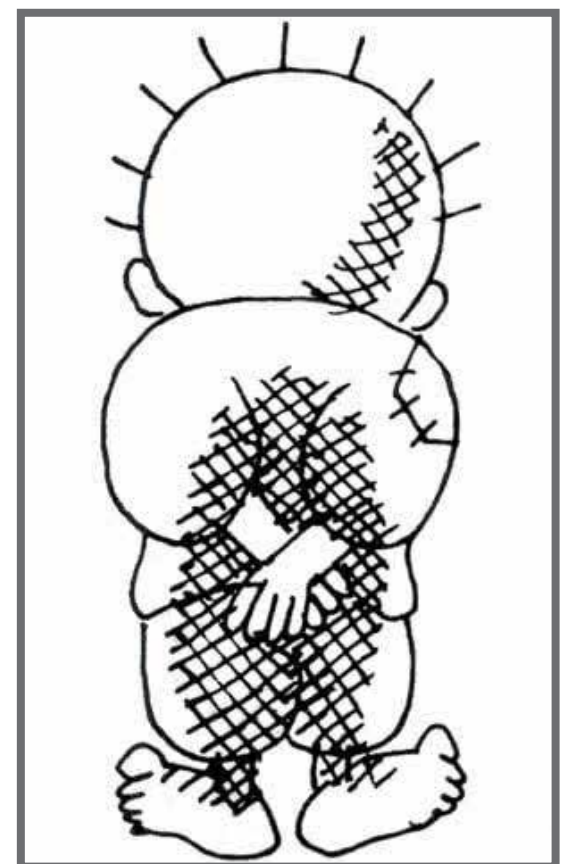


شخصیت «حنظل» چگونه متولد شد؟

تصویر یک کودک است؛ پابرهنه، با لباسی وصله پینه که طرح‌های شبکه‌ای روی آن به طرح لباس زندانیان بی‌شبهت نیست. دست‌های کوچکش را از پشت به هم قفل کرده و مغموم، مصمم و با دقت به پیش‌رویش چشم دوخته است.

این کودک، حوادث تلخ دیگری را که هر روز و هر ساعت برای مردم کشورش اتفاق می‌افتد با دقت می‌بیند؛ اما بدون خستگی ایستاده است.

او حنظل است و با قلم هنرمندانه‌ی «ناجی العلی»، کاریکاتور است فلسطینی به‌وجود آمده است.



حضور حنظل در تظاهرات علیه اسرائیل

«هیچ وقت فکر نمی‌کردم این پسر بچه فلسطینی که در تمام کاریکاتورهای ناجی العلی حاضر است قلبم را اینگونه با خود به کوچه‌های صبرا و شتیلا ببرد و الهام بخش بسیاری از هنرمندان ایرانی و خارجی باشد.» محمود درویش





عقل وارونه

مهدی جمشیدی

ایکم! تجربه‌اشاخیر نشان داد که شبکه‌های اجتماعی غربی، در حال مسخ هویت جامعه ایرانی هستند و در زیر پوست جامعه، اتفاقات فرهنگی ناخوشایندی در حال رخ دادن هستند که واقعیتی مانند اغتشاش می‌تواند این لایه‌های نهفته را آشکار سازد. جامعه ایران به صورت بی حساب و رهانشده، در معرض شبکه‌های اجتماعی غربی قرار گرفته و تمام ذهنیتش، مملاس با روایت‌ها و محتواهایی است که در امتداد تمدن غربی هستند. حاکمیت شهرهای فیزیکی را در اختیار دارد، اما شهرهای مجازی را رها کرده است؛ با این تصور نادرست که آنجا، حاکمیت معنا ندارد و نوعی حریم خصوصی است و پهنه‌ای است برای مناسبات و تعاملات شخصی و غیر سیاسی. پنداشت حاکمیت این نیست که شبکه‌های اجتماعی غربی، عرصه عمومی هستند و می‌توانند ذهنیت‌پردازی کنند و یک هویت را بزایند و هویت دیگری را بیافرینند. این رویکرد به حکمرانی، که به دوره پیشامجازی شدن تعلق دارد و خود را با ضرورت‌ها و قطعیت‌های دوره تاریخی جدید، هماهنگ کرده، همچنان شهر و میدان و خیابان‌های فیزیکی را، تنها قلمرو حکمرانی‌اش می‌شمارد و باور نیافته که پهنه مجازی نیز چه‌ساز در این حد، مهم و تعیین کننده باشد و بتواند حاکمیت ملی را متزلزل سازد. گمان می‌کنند که آنچه در جهان بیرونی و عینی می‌گذرد، اصل است و رخدادهای متعلق به فضای مجازی، پاز آن فراتر نمی‌گذارند؛ حال آن که در نظم جدید، عالم مجازی است که عالم واقعی را می‌آفریند و برای آن، شرایط و چهارچوب و اقتضا تعریف می‌کند. عالم مجازی، به مبدأ و منشأ تبدیل شده و بی آن که از وجود عینی برخوردار باشد، ضرورت و جبر می‌آفریند.

آدوم! در دو دهه اخیر، هیچ‌گونه تنش و تلاطمی در میان نبوده که ضلع اصلی آن، شبکه‌های اجتماعی غربی نباشند. این شبکه‌ها، به خاستگاه‌ها و سرچشمه‌های تولید بحران در جامعه ایران تبدیل شده‌اند؛ بحران‌هایی که فقط وقتی خیابانی بشوند، دیده می‌شوند، اما روشن است که بخش عمده‌ای از این بحران، در جهان‌های ذهنی رخ داده است و تا حدی نیز در سبک زندگی، خود را نشان می‌دهد. بخشی از حاکمیت که جهت‌گیری لیبرالی دارد، می‌داند که زخم‌خورده شبکه‌های اجتماعی غربی است و هر فتنه و آشوب و تکانه جدید که اتفاق بیفتد نیز ریشه در این فضا خواهد داشت، اما خود را می‌فریبد و برای جذب بدنه اجتماعی، بر طبل آزادسازی شبکه‌های اجتماعی غربی می‌کوبد؛ خواسته‌ای که در اصل، از سوی روایت‌های رسانه‌های غربی، ساخته و پرداخته شده و به جان بخشی از جامعه ایران افکنده شده و اینک نیز از زبان لایه‌ای از حاکمیت شنیده می‌شود. خود همین روند، حکایت‌گر نفوذ شبکه‌های اجتماعی غربی در جامعه ایران است که چگونه، جامعه را مسخر و مرعوب خویش می‌کنند و یک امر تصنعی و واهی را به‌عنوان مطالبه اجتماعی، می‌بافند و حتی بخش‌هایی از حاکمیت را نیز با آن هم‌داستان می‌سازند. پیشروی روایت‌های شبکه‌های اجتماعی غربی، تا اینجاست و این‌همه، برآمده از خلاء حکمرانی در فضای مجازی است. به‌جای این که حاکمیت، ذائقه‌سازی کند و به جامعه، جهت‌دهی بدهد، این شبکه‌های اجتماعی غربی هستند که بازی‌های هوشی به راه انداخته‌اند و ذهنیت و مطالبه می‌آفرینند و ادبیات و منطق حاکمیت را نیز در راستای منافع خویش، صورت‌بندی می‌کنند.

اسوم! اکنون به‌جای این که بر اساس تجربه‌های عینی اخیر، حاکمیت به دنبال مرزبندی هرچه بیشتر و مترکم‌تر با شبکه‌های اجتماعی غربی باشد و افکار عمومی جامعه خویش را از سیطره و سلطه آنها برهاند تا بتواند طرح‌های هوشی‌اش را به اجر درآورد، بی‌پروا و خام‌اندیشانه، وعده رهاسازی شبکه‌های اجتماعی غربی می‌دهد. در شرایطی که سخن از بازسازی انقلابی ذهنیت‌های فرهنگی به میان آمده و فاصله‌گیری و زاویه‌یابی لایه‌هایی از جامعه با آرمان‌گرایی انقلابی، آشکار شده، حاکمیت در پی آن است که جامعه خویش را به عمق شبکه‌های اجتماعی غربی پرتاب کند تا بیشتر و شدیدتر، بدنه اجتماعی‌اش تخریب شود و شکاف‌ها و گسست‌ها، جدی‌تر و چالشی‌تر بشوند. سپردن ذهنیت جامعه به دست دشمنانی که در پشت شبکه‌های اجتماعی غربی، پنهان شده‌اند و از این شبکه‌ها به‌عنوان ابزار استعمار و سلطه استفاده می‌کنند، جرمی نابخشودنی است و ما را بیشتر گرفتار تلاطم‌های اجتماعی و تکثرهای بازدارنده و اختلال‌زا می‌کند. جامعه ما در حال باختن هسته‌های سخت هویتی‌اش است و می‌رود که رسانه‌های عالم تجدد، من هویتی جامعه ما را بفرسایند و وضع علاج‌نشدنی چندپارگی و گسستگی معنایی را رقم بزنند. در این حال، حاکمیت باید مسیر سکولاریسم ساختاری را در پیش بگیرد تا دچار تعارض و تنش در لایه اجتماعی نشود.

جان‌ناقبل ماوتانک‌رسانه!

جیمز پاتر

محتوای تو چند میلی‌متر در مغز من نفوذ کرد؟

برای سرمایه‌گذاران رسانه‌ای، مساله سنجش تاثیر همواره مهم بوده‌است. هر دلاری که از جیب ما می‌رود، چقدر ذهنیت مخاطب را عوض می‌کند؟ رفتار او چگونه می‌شود؟ و...

جیمز پاتر، استاد ۵۰ ساله دانشگاه کالیفرنیا، با بیست سال مطالعه حول اثربخشی رسانه‌ای در پژوهش اخیر خود با عنوان "نظریات اصلی در تاثیر رسانه: تحلیل و محاسبه" به بررسی سنجش تاثیر رسانه‌ای می‌پردازد.

اولین کار او، ارائه شاخص‌های سنجش اثر رسانه‌ها، با موارد زیر است:

۱. **زمان‌بندی (Timing):** اولین شاخص، مبتنی بر زمان تاثیر است. برخی تاثیرات ممکن است بلافاصله پس از قرار گرفتن در معرض پیام ظاهر شوند و برخی یا ممکن است مدت‌ها بعد از آن اثر کنند. (مصادق نظریه کاشت)

۲. **ماندگاری (Duration):** شاخص بعدی در حوزه زمان، ماندگاری است. تاثیرات رسانه‌ای ممکن است بعد از یک ساعت از بین بروند، برخی تا یک هفته باشند و برخی ممکن است ماندگار باشند.

۳. **میزان تغییر (Change):** آیا همه تاثیرات رسانه قرار است نگرشی را عوض کنند؟ خیر. گاهی تاثیر یک کنش رسانه‌ای در تقویت الگوهای موجود و جلوگیری از تغییرات است.

۴. **نیت (Intention):** همیشه قرار نیست تاثیرات طراحی شده ما رخ بدهند. گاهی اثربخشی، دقیقاً در بروز تاثیراتی است که در محاسبات ما پیش‌بینی نشده است.

۵. **سطح (Level):** تاثیرات رسانه‌ای می‌تواند در سطح فردی یا کلان (مانند جامعه و...) ظاهر شوند. جالب اینکه، ممکن است کاری در جامعه اثربخش باشد و در عین حال، بر افراد تاثیر نگذاشته باشد!

۶. **مستقیم و غیرمستقیم بودن (Direct and Indirect):** تاثیرات رسانه‌ها ممکن است به صورت مستقیم بر فرد یا به صورت غیرمستقیم از طریق نهادهای سازنده و ساختارهای اجتماعی تاثیر بگذارند.

۷. **مشهود یا نهفته بودن (Manifestation):** برخی از تاثیرات رسانه به راحتی قابل مشاهده هستند، در حالی که برخی دیگر نهفته و دشوار برای مشاهده و محاسبه می‌باشند.



مغزت را اینگونه اجاره می‌کنم

شما نسبت به موضوعات را تغییر می‌دهد. مثلاً، یک آگهی تبلیغاتی می‌تواند شما را به خرید یک محصول ترغیب کند.

۴. **تاثیرات احساسی:** محتوای رسانه‌ها می‌تواند احساسات مختلفی خصوصاً شادی، ترس یا خشم را در شما برانگیزند. رسانه‌ها قدرت زیادی در تحریک هیجانات دارند.

۵. **تاثیرات فیزیولوژیکی:** رسانه‌ها حتی بدن شما را هم تحت تاثیر قرار می‌دهند. دیدن یک صحنه اکشن ممکن است باعث تپش قلب یا تعریق شود.

۶. **تاثیرات رفتاری:** رسانه‌ها می‌توانند ما را به سمت اقدام و تغییر رفتار سوق دهند. مثلاً بعد از دیدن یک دعوت در انجام یک مستحب دینی، شما هم رفته رفته آن را انجام دهید. نکته جالب اینکه کارکردن این سطح از تاثیر، الزاماً متاثر از تاثیرات نگرشی و اعتقادی نیست!

و در انتها پاتر قید می‌کند که تحقق سطحی از تاثیر، تابع سن، سطح مطالعات، سطح اقتصادی و بسیاری از عوامل بیرونی دیگر هستند...

ادامه دارد

تبلیغ یک باور در رسانه، تا کجا می‌تواند اثر کند؟ مرور سطح تاثیرات، بر مبنای دسته‌بندی آقای جیمز پاتر، تا ببینیم یک محتوای فرهنگی مذهبی این روزها، تا کجا می‌تواند بر مخاطب تاثیر بگذارد.

۱. **تاثیرات شناختی:** در پرکرترین سطح تاثیر، رسانه‌ها اطلاعات جدیدی وارد ذهن ما می‌کنند و الگوهای فکری‌مان را تغییر می‌دهند. مثلاً وقتی برای اولین بار گزارشی از یک رویداد مذهبی می‌بینید و آن را برای خود تحلیل می‌کنید، این یک نمونه از تاثیرات شناختی است.

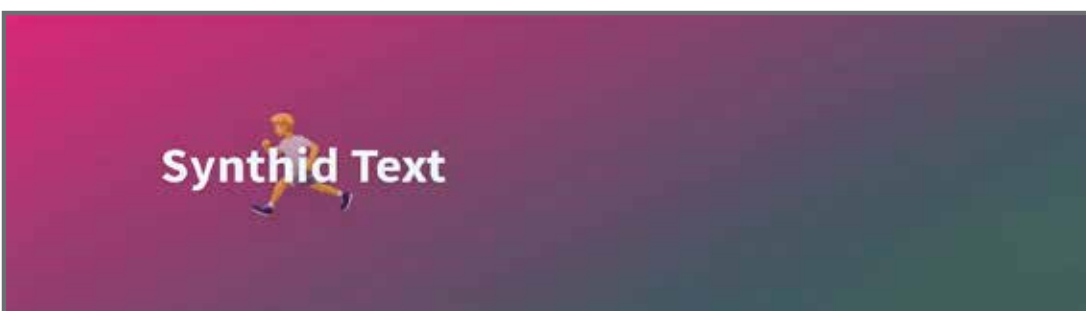
۲. **تاثیرات اعتقادی:** رسانه‌ها باورهای ما را تغییر می‌دهند. برای مثال ممکن است با تماشای یک سخنرانی، به شخصیت‌های تاریخی یا موضوعات مختلف اعتقاد پیدا کنید یا باورهایتان تقویت شود.

دقت کنید: به گمان پاتر، رسانه نه تنها می‌تواند باوری را تقویت کند، که همچنان می‌تواند باورهای مذهبی جدید ایجاد کند.

۳. **تاثیرات نگرشی:** در سطحی پایین‌تر از باورها، رسانه دیدگاه

معرفی ابزار جدید گوگل

برای برچسب‌گذاری محتوای مبتنی بر هوش مصنوعی



این حال، غول فناوری آمریکایی اذعان کرد که «SynthID Text» در متون کوتاه، نوشته‌های بازنویسی یا ترجمه شده و پاسخ‌های مبتنی بر اطلاعات واقعی، عملکرد ضعیف‌تری دارد.

تلاش گوگل برای ارائه چنین ابزاری در حالی صورت می‌گیرد که شرکت‌هایی مانند «OpenAI» نیز در سال‌های اخیر در حال تحقیق و توسعه ابزارهای مشابه هستند. برچسب‌گذاری متون، در صورت پذیرش گسترده از سوی فعالان صنعت فناوری، می‌تواند به مقابله با خطا در شناسایی محتواهای مبتنی بر هوش مصنوعی توسط سیستم‌های فعلی کمک کند.

در همین حال، کشورهای مختلف نیز در تلاش‌اند تا مقرراتی برای برچسب‌گذاری محتوای هوش مصنوعی اعمال کنند. چین اخیراً قوانین اجباری در این زمینه معرفی کرده و ایالت کالیفرنیا نیز در حال بررسی طرح مشابهی در این خصوص است. بر اساس گزارش‌های اتحادیه اروپا، تا سال ۲۰۲۶ ممکن است ۹۰ درصد از محتوای آنلاین توسط هوش مصنوعی تولید شود و این موضوع چالش‌های جدیدی در زمینه انتشار اطلاعات نادرست و تقلب به وجود می‌آورد.

به گزارش وبگاه خبری تک‌کراچ، گوگل با معرفی فناوری جدیدی با عنوان «SynthID Text»، امکان برچسب‌گذاری و شناسایی متون تولید شده توسط مدل‌های هوش مصنوعی را برای توسعه‌دهندگان و کسب‌وکارها فراهم می‌کند. این ابزار به صورت رایگان از پلتفرم هوش مصنوعی «Hugging Face» و کیت ابزار هوش مصنوعی مولد مسئولانه گوگل (Responsible GenAI Toolkit) قابل دسترسی است.

طبق اعلام گوگل، این ابزار با تغییر احتمالات در توزیع توکن‌ها (که واحدهای سازنده متن هستند)، به تولید یک الگوی منحصر به فرد در متن می‌پردازد؛ الگویی که به عنوان واترمارک عمل می‌کند. این الگو در متون تولید شده توسط هوش مصنوعی شناسایی شده و به توسعه‌دهندگان کمک می‌کند تا محتوای تولید شده توسط ابزارهای هوش مصنوعی را از سایر منابع تفکیک نمایند.

گوگل تاکید دارد استفاده از این فناوری که از بهار امسال با مدل‌های «Gemini» ادغام شده است، تاثیری بر کیفیت، دقت یا سرعت تولید متن نخواهد داشت. این ابزار حتی می‌تواند روی متون اصلاح یا بازنویسی شده نیز عمل کند. با



خدا حافظی بادنیای اندروید

هوای سیستم‌عامل مستقل HarmonyOS Next را عرضه کرد؛ خدا حافظی با دنیای اندروید

هوای به‌تازگی نسخه جدید سیستم‌عامل خود با نام HarmonyOS Next را عرضه کرده است که رقیب سیستم‌عامل اندروید محسوب می‌شود. HarmonyOS Next در واقع اولین سیستم‌عامل هوای است که کاملاً مستقل از اندروید توسعه داده شده است و از اپلیکیشن‌های اندروید پشتیبانی نمی‌کند.

سیستم‌عامل HarmonyOS Next روی تمام دستگاه‌های فعلی و آینده هوای در بازار چین اجرا خواهد شد و البته محصولات عرضه‌شده هوای در بازارهای جهانی نیز قرار است به آن مجهز شوند. این نسخه از سیستم‌عامل اختصاصی هوای روی طیف وسیعی از دستگاه‌ها اعم از گوشی‌های هوشمند، پوشیدنی‌ها، دستگاه‌های خانه هوشمند و خودروها قابلیت اجرا دارد.

به نظر می‌رسد استقبال مشتریان از HarmonyOS هم مطابق انتظار این شرکت پیش می‌رود. هوای اعلام کرده بود این سیستم‌عامل توانسته به رکورد بیش از ۱۰ هزار اپلیکیشن بومی دست یابد. تحریم‌های آمریکا و محرومیت از دسترسی به سیستم‌عامل اندروید هوای را مجاب به توسعه سیستم‌عامل اختصاصی خود کرد.



جان ناقابل ما و تانک رسانه!

برای سرمایه‌گذاران رسانه‌ای، مساله سنجش تاثیر همواره مهم بوده‌است. هر دلاری که از جیب ما می‌رود، چقدر ذهنیت مخاطب را عوض می‌کند؟ رفتار او چگونه می‌شود؟ و...

حضور حنظل در تظاهرات علیه اسرائیل

خیانت حکام عرب و سازشکاران با اسرائیل را با تمام وجودش حس کرده و از سلیمانی‌ها و نصرالله‌ها و سنوارها درس مقاومت و ایستادگی تا پای جان آموخته است.

۱

۷

نامدیران عوضی آمده‌را برکنار کنید!

«ماهی از سر گنده گردد، نی ز دم!» ورزش را می‌خواهید درست کنید؟ مشکلات آن را می‌خواهید حل کنید؟ به این وضع پس پسکی جلو رفتن می‌خواهید خاتمه دهید؟ واقعا می‌خواهید این کار را انجام دهید و خودتان و دوستداران ورزش را دست نینداخته و سرکار نگذاشته‌اید؟ و می‌خواهید ورزش ایران را روبه راه و سروسامان دهید؟

پاسخ و راه‌حلش خیلی آسان و ساده و روشن است و حداقل بارها و بارها در این صفحه آن را به صراحت و به زبان شیرین فارسی نوشته‌ایم. پاسخ این است و جز این نیست: شر این خیل مدیرانهای ناشایسته را که معلوم نیست با کدام سابقه و مشروعیت و صلاحیتی بر بسیاری از مناصب حساس ورزش و مراکز و فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی و... تکیه زده، و در واقع آن را با سفارش و توصیه و پارتی‌بازی و بندوبست و معامله و تبانی و... خلاصه همه چیز جز «شایستگی» و «صلاحیت»، غصب و اشغال کرده‌اند، از سر ورزش کم کنید.

این نامدیران عوضی آمده و تحمیلی؛ پدر ورزش ایران را درآورده و باعث درجا زدن و عقب رفتن و سقوط فنی و اخلاقی آن شده‌اند.



ببینید و همه داریم می‌بینیم مدیریت این نامدیران عزیز و معلوم نیست از کجا آمده چه بلایی برسر این تیم و هواداران آن آورده و چگونه دارند قدم به قدم آن را به «روز سیاه» و ورطه سقوط نزدیک می‌کنند.

آقایانی که ادعا می‌کنید برخلاف مدیران قبلی «ما گوش شنوا برای شنیدن حرف حساب داریم!» آیا این حرف‌ها را می‌شنوید؟ آیا این حرف‌های ما بی‌سند و غیرحساب است؟

عنوان سوم آسیا



سام واژیر، نماینده ایران در مسابقات شیرجه قهرمانی آسیا عنوان سوم و مدال برنز را از آن خود کرد. این اولین مدال انفرادی تاریخ شیرجه ایران در رقابت‌های قهرمانی آسیا می‌باشد.

قهرمانی آسیا



تیم ملی هندبال ساحلی نوجوانان ایران پس از کسب سهمیه مسابقات جهانی ۲۰۲۵ تونس، با برتری ۲-۰ مقابل تایلند برای دومین بار متوالی قهرمانی خود در آسیا را تکرار کرد.

تخلف از شما توجیه از کمیته انضباطی!

شیوانوروزی

کرده است. در مورد صحبت‌های شنیع محمود کفری نیز رئیس کمیته انضباطی حرف‌های فرد خاطی را تکرار کرد و اینکه او منظورش فرد خاصی نبوده است. تصمیم‌گیرندگان در کمیته انضباطی این روزها بیش از هر زمان دیگری روی معانی واژه‌ها تأکید دارند و با استفاده از تاکتیک «بازی با کلمات»، شدت تخلف، جرم یا اتهامات را به حداقل کاهش می‌دهند. به این شکل به راحتی محرومیت‌ها به جرایم نقدی میلیاردری تقلیل می‌یابند و نهایت محرومیت‌های اعمال شده تعلیقی هستند و سرتوئه آن‌ها را نیز می‌توان با یک عذرخواهی یا حتی بدون عذرخواهی و رفتن به استیناف هم آورد. دروازه‌بان شناخته شده صراحتاً در مصاحبه با رسانه‌ها از پرداخت ۵ میلیارد ناقابل به یکی از اعضای هیئت‌مدیره صحبت کرده و آقایان به جای آنکه تکلیف رد و بدل شدن رشوه‌های کلان را مشخص کنند در برنامه‌های تلویزیونی مشغول تشریح معانی کلمات هستند. با هر متر و معیاری که بسنجید و حتی اگر شدت تورم را هم در نظر بگیرید، ۵ میلیارد تومان فقط می‌تواند حکم رشوه را داشته باشد، نه شیرینی و پول جای. رئیس کمیته انضباطی با چه توجیهی سعی در عادی جلوه دادن ادعای واضح بیرانوند دارد؟ از طرفی الفاظ به کار رفته از سوی آن مربی خاص به قدری زشت و غیراخلاقی بوده که حتی اگر مخاطب خاص هم نداشته باشد قطعاً باید محرومیتی بسیار سنگین برای گوینده در نظر گرفت، نه اینکه به یک عذرخواهی اجباری بسنده کرد. اگر قرار است برخی افراد، تیم‌ها و مدیران بابت

قوانین در فوتبال ایران تا قبل از این توسط بازیکنان، مربیان و مدیران به سخره گرفته می‌شد، ولی آش آنقدر شور شده که ارکان قضایی نیز رسماً تمام قوانین را به جریمه مالی خلاصه کرده‌اند و از بیان توجیهات مختلف برای عادی‌سازی آرای فرمالیته خود ابایی ندارند.

وظیفه رسمی کمیته انضباطی برخورد بدون اغماض با متخلفان فوتبالی است، ولی این کمیته مدت‌هاست نقشش تغییر کرده و به جای آنکه متخلفان متنبه شوند، وقیح‌تر و پرمدعتر می‌شوند! در همین یکی، دو هفته اخیر موجی از حواشی در فوتبال ما رخ داد که همه مسیبان آن‌ها به شکل عجیبی مشمول جریمه نقدی و محرومیت‌های تعلیقی شدند. اعتراضات زیادی به آرای صادره مطرح شد و اگر چه می‌دانستیم کمیته انضباطی از این جریمه‌های میلیاردری درآمد زیادی کسب می‌کند، اما دیگر انتظار نداشتیم رئیس این کمیته در رسانه ملی برای احکام صادره توجیهاتی تا این اندازه عجیب به زبان بیاورد و به نوعی شعور مخاطبان و مردم را زیر سؤال ببرد. حسن‌زاده معتقد است ادعای بیرانوند در خصوص پرداخت شیرینی به یکی از اعضای هیئت‌مدیره فقط نشر اکاذیب بوده، نه افترا و تهمت. در نتیجه، چون شیرینی داده نه رشوه، پس همان جریمه نقدی برایش کفایت می‌کند. آقای رئیس مدعی شده دروازه‌بان تراکتورسازی در یک مصاحبه عذرخواهی کرده در صورتی که در آن مصاحبه خبری از عذرخواهی نیست و حتی خود بیرانوند اصل مصاحبه را نیز تکذیب



کارها، رفتار و صحبت‌هایشان مصونیت داشته باشند و بابت جریمه هر یک از متخلفان چند میلیارد تومان درآمدزایی شود به جای تفسیر واژه‌ها و بار حقوقی آنها، صراحتاً به فوتبالی‌ها و هواداران بگویید خبری از نقره‌داغ کردن قانون‌گریزان نیست و هر چه دل تنگ‌تان می‌خواهد بگویید و انجام دهید، فقط چند میلیارد برای جریمه احتمالی خود کنار بگذارید.